

شعوی معنوی

سوالا حلال الدین محمد بنی



سرشناسه
 عنوان و نام پدیدآور : مثنوی معنوی / تالیف جلال الدین محمد بلخی، ۶۰۴-۶۷۲
 بلخی، بر اساس نسخه ی رینولد نیکلسون.
 مشخصات نشر : تهران: آهنگ فردا، ۱۳۹۵
 مشخصات ظاهری : ۸۷۶ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۸۳-۸۵-۸
 وضعیت فهرست نویسی : فیفا
 موضوع : شعر فارسی - قرن ۷ق. نیکلسون، رنالدین،
 ۱۸۳۸-۱۹۴۵م. مصحح.
 رده بندی کنگره : PIR۵۲۹۸ ۶۱۳۹۵:
 رده بندی دیویی : ۸۴۱/۳۱:
 شماره کتابشناسی ملی : ۴۳۲۵۱۴۴:



تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشکده، کوچه رستمی،
پلاک - ۶۰ واحد ۶

تلفن: ۶۶۹۷ ۲۸۱۷ - ۰۲۱ ۶۲۷۰۶

email: anangefardapub@gmail.com

مثنوی معنوی

جلال الدین محمد بلخی

صفحه آرای: سعیده هاشمی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۸۳-۸۵-۸

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

فهرست

۳۵	دفتر اول
۳۷	مقدمه
۳۹	نقد حال
۴۰	حکایت عاشق شدن پادشاهی بر کنیزکی و خریدن پادشاه کنیزک را
۴۰	ظاهر شدن عجز سلیمان از معالجه کنیزک بر پادشاه و روی آوردن پادشاه
۴۱	از خداوند ولی التوفیق درخواست توفیق رعایت ادب در همه حال ها
۴۲	ملاقات پادشاه با آن طبیب الهی که در خوابش بشارت داده
۴۲	بردن پادشاه آن طبیب را بر سر بر بالیدن او را ببیند
۴۳	خلوت طلبیدن آن ولی از پادشاه با کنیزک جهت دریافتن رنج کنیزک
۴۴	در یافتن آن ولی رنج را و عرض کردن رنج او را پیش پادشاه
۴۴	فرستادن شاه رسولان به سمرقند به آوردن زرگر
۴۶	بیان آنکه کشتن و زهر دادن مرد زرگر به امارت می بود، نه به
۴۶	حکایت مرد بقال و طوطی و روغن ریختن طوطی بر سر آن
۴۹	داستان آن پادشاه جهود که نصرانیان را می کشت از بر تعصب
۴۹	آموختن وزیر مکر پادشاه را
۴۹	تلبیس وزیر با نصارا
۵۰	قبول کردن نصارا مکر وزیر را
۵۰	متابعت کردن نصارا وزیر را
۵۱	قصه دیدن خلیفه لبلی را
۵۲	بیان حسد وزیر
۵۳	فهم کردن حاذقان نصارا، مکر وزیر را
۵۳	پیغام شاه پنهان مکر وزیر را
۵۳	بیان دوازده بسط از نصارا
۵۳	تخلیط وزیر در احکام انجیل
۵۴	بیان آنکه این اختلاف در صورت روش است، نه در حقیقت راه
۵۵	بیان خسارت وزیر در این مکر
۵۶	مکر دیگر، انگیزختن وزیر در اضلال قوم

- ۵۶ دفع گفتن وزیر مریدان را.....
- ۵۷ مکرز کردن مریدان که، خلوت را بشکن.....
- ۵۷ جواب گفتن وزیر که، خلوت را نمی شکنم.....
- ۵۷ اعتراض مریدان بر خلوت وزیر.....
- ۵۹ نومید کردن وزیر مریدان را از رفض خلوت.....
- ۵۹ ولیعهد ساختن وزیر هر یک امیر را جدا جدا.....
- ۵۹ کشتن وزیر خویشین را در خلوت.....
- ۶۰ طلب کردن امت عیسی از امرا که، ولیعهد از شما کدام است؟.....
- ۶۱ منازعت ارا در ولیعهدی.....
- ۶۱ تعظیم عت مصطفی که مذکور بود در انجیل.....
- ۶۲ حکایت پادشاه جه.....
- ۶۳ آتش کردن پادشاه جهود بت نهادن پهلوی آتش که هر که، این بت را.....
- ۶۳ به سخن آمدن طفل در میان اسر و تحریض کردن خلق را.....
- ۶۴ کز ماندن دهان آن مرد به نام حمده به تسخر خواند.....
- ۶۵ عتاب کردن آتش را آن پادشاه جه.....
- ۶۵ قصه باد که در عهد هود قوم عاد را هلاک کرد.....
- ۶۶ طنز و انکار کردن پادشاه جهود و قمار بردن صیحات خاصان خویش.....
- ۶۷ بیان توکل و ترک جهد گفتن نخجیران به شیر.....
- ۶۷ جواب گفتن شیر نخجیران را و فایده جهد گفتن.....
- ۶۷ ترجیح نهادن نخجیران توکل را بر جهد و اکتساب.....
- ۶۷ ترجیح نهادن شیر جهد و اکتساب را بر توکل و تسلیم.....
- ۶۸ ترجیح نهادن نخجیران توکل را بر اجتهاد.....
- ۶۸ باز ترجیح نهادن شیر جهد را بر توکل.....
- ۶۹ باز ترجیح نهادن نخجیران توکل را بر جهد.....
- ۶۹ نگرستن عزرائیل بر مردی و گریختن آن مرد در سرای سلیمان و تقریر.....
- ۶۹ باز ترجیح نهادن شیر جهد را بر توکل و فواید جهد را بیان کردن.....
- ۷۰ مقرر شدن ترجیح جهد بر توکل.....
- ۷۰ انکار کردن نخجیران بر خرگوش در تأخیر رفتن بر شیر.....
- ۷۰ جواب خرگوش نخجیران را.....
- ۷۱ اعتراض نخجیران بر سخن خرگوش.....
- ۷۱ جواب خرگوش نخجیران را.....
- ۷۱ ذکر دانش خرگوش و بیان فضیلت و منافع دانش.....
- ۷۲ باز طلبیدن نخجیران از خرگوش سراندریشه او را.....

- ۷۲ منع کردن خرگوش راز را از ایشان
- ۷۲ قصه مکر خرگوش
- ۷۳ تاویل رکیک مگس
- ۷۳ تولیدن شیر از دیر آمدن خرگوش
- ۷۴ هم در بیان مکر خرگوش
- ۷۵ آمدن خرگوش نزد شیر و خشم شیر بر وی
- ۷۶ عذرگفتن خرگوش
- ۷۶ جواب گفتن شیر خرگوش را و روان شدن با او
- ۷۷ قصه هدهد سلیمان در بیان آنکه چون قضا آید
- ۷۸ طعنه زاغ بر دزدی هدهد
- ۷۸ جواب گفتن هدهد طعنه زاغ را
- ۷۸ قصه آدم و حوا و نظر را از مراعات صریح نهی
- ۷۹ پای واپس کشیدن مگس از شیر چون نزدیک چاه رسید
- ۸۰ پرسیدن شیر از سبب پارس کشیدن خرگوش
- ۸۰ نظر کردن شیر در چاه و دیدن کمر خود را و آن خرگوش را در آب
- ۸۱ مژده بردن خرگوش سوی نخجیران که شیر در چاه افتاد
- ۸۲ جمع شدن نخجیران گرد خرگوش و نناگفتن او
- ۸۲ تفسیر رَجَعْنَا مِنْ جِهَادِ الْأَصْفَرِ إِلَى جِهَادِ الْأَكْثَرِ
- ۸۳ آمدن رسول روم تا امیرالمؤمنین عُمَر و دیدن کرامات وی
- ۸۴ یافتن رسول روم، عُمَر را خفته در زیر نخل
- ۸۴ سلام کردن رسول روم عُمَر را
- ۸۵ سؤال کردن رسول روم از عُمَر
- ۸۶ اضافت کردن آدم آن زکات را به خویشتن که «رَبَّنَا ظَلَمْنَا» و اضافت کردن
- ۸۷ تفسیر آیه: وَ هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ
- ۸۷ سؤال کردن رسول از عُمَر از سبب ابتلائی ارواح با
- ۸۷ در سبب آنکه: «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَجْلِسَ مَعَ اللَّهِ فَلْيَجْلِسْ مَعَ أَهْلِ التَّصَوُّفِ»
- ۸۸ قصه بازرگان که طوطی او را پیغام داد به طوطیان هندوستان
- ۸۹ صفت اجتنحه طيور غُفُول الهی
- ۸۹ دیدن خواجه طوطیان هندوستان را در دشت و پیغام رسانیدن از آن طوطی
- ۹۰ تفسیر قول فریدالدین العطار
- ۹۰ تعظیم ساحران مر موسی را که چه می فرمایی؟ اول تو
- ۹۱ بازگفتن بازرگان با طوطی آنچه دید از طوطیان هندوستان
- ۹۲ شنیدن آن طوطی حرکت آن طوطیان و مردن آن طوطی در قفس و

- تفسیر قول حکیم ۹۵
- رجوع به حکایت خواجه تاجر ۹۶
- برون انداختن مرد تاجر طوطی را از قفس و پریدن طوطی مرده ۹۷
- وداع کردن طوطی خواجه را و پریدن ۹۷
- مضرت تعظیم خلق و انگشت نما شدن ۹۷
- تفسیر ماشاء الله کان ۹۸
- داستان پیر جنگی که در عهد عمر از بهر خدا روز ببنوایی ۹۹
- در بیان این حدیث که: إِنْ لَزَبَكُمْ فِی آتَامٍ دَهْرُكُمْ تَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا ۱۰۰
- قضه سؤال کردن عایشه از مصطفی که امروز باران بارید ۱۰۲
- تفسیر بیت حکیم ۱۰۳
- در معنی این حدیث که: «اغْتَنِمُوا بَرْدَ الرَّبِیعِ...» الی آخر ۱۰۳
- پرسیدن صدیق از مصطفی که سر باران امروزینه چه بود ۱۰۴
- بقیه قضه پیر جنگی در بیان مخلص آن ۱۰۴
- در خواب گفتن هاتم به سرور که، چندین زر از بیت المال به آن مرد ده ۱۰۵
- نالدین ستون حنانه، چون از بی بی پیغام بر منبر ساختند که، جماعت انبوه ۱۰۶
- اظهار معجزه پیغامبر، به سخن مدعی سگ ریزه در دست ابو جهل ۱۰۷
- بقیه قضه مطرب و پیغام رسانیدن عمر با و آنچه هاتم آواز داد ۱۰۷
- گردانیدن عمر نظر او را از مقام گریه به ۱۰۸
- تفسیر دعای آن دو فرشته که، هر روز بر سر هر بازاری منادی می کنند ۱۰۹
- قضه خلیفه که در گرم در زمان خود از حاتم طائی گذشته بود ۱۱۰
- قضه اعرابی درویش و ماجرای زن او با او به سبب مدعی و درویشی ۱۱۰
- مغرور شدن مریدان محتاج به مدعیان مزور و ایشان را منع و احتشم ۱۱۱
- در بیان آنکه نادر افتد که مریدی در مدعی مزور اعتقاد به صانع دارد که او ۱۱۱
- صبر فرمودن اعرابی زن را و فضیلت صبر و فقر گفتن با زن خود ۱۱۱
- نصیحت کردن زن مرثوی را که سخن افزون از قدم و از مقام خود مگر ۱۱۲
- نصیحت کردن مرد مرزن را که در فقیران به خواری منگر و در ۱۱۳
- در بیان آنکه جنبدین هر کسی از آن جا که وی است، هر کس را از چنبره و برد ۱۱۴
- مراعات کردن زن شوهر را و استغفار نمودن از گفته خویش ۱۱۵
- در بیان این خبر که: «إِنَّهُمْ یَغْلِبُیْنِ الْعَاقِلَ وَ یَغْلِبُهُنَّ الْجَاهِلُ» ۱۱۶
- تسلیم کردن مرد خود را به آنچه التماس زن بود از طلب معیشت و این اعتراض ۱۱۶
- در بیان آنکه موسی و فرعون هر دو مسخر مشیتند، چنان که پازهر و زهر ۱۱۷
- سبب حرمان اشقیاء از دو جهان که: «خَسِرَ الدُّنْیَا وَالْآخِرَةَ» ۱۱۸
- حقیر و بی خصم دیدن دیده های حسن صالح و ناقه صالح را، چون خواهد که ۱۱۹

- در معنی آنکه: «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ» ۱۲۰
- در معنی آنکه آنچه ولی کند، مرید را تشاید گستاخی کردن و همان فعل کردن که ۱۲۱
- مخلص ماجرای عرب و جفت او ۱۲۲
- دل نهادن عرب بر التماس دلبر خویش و سوگند خوردن که در این تسلیم مرا ۱۲۳
- تعیین کردن زن طریق طلب روزی کدخدای خود را و قبول کردن او ۱۲۴
- هدیه بردن عرب سیوی آب باران از میان بادیه سوی بغداد به امیرالمؤمنین ۱۲۵
- در نمد دوختن زن عرب سیوی آب باران را و مهر نهادن بر وی ۱۲۵
- در بیان آنکه، چنان که گدا عاشق گزم است و عاشق کریم کرم، کریم هم عاشق ۱۲۶
- فرق میان آنکه رویش است به خدا و تشنه خدا و میان آنکه درویش ۱۲۶
- پیش آمدن حبیبان و دربانان خلیفه از بهر اکرام اعرابی و پذیرفتن ۱۲۷
- در بیان آنکه عاشق دنیا بر مثال عاشق دیواری ست که بر او تاب آفتاب زند و جهد ۱۲۸
- مثل عرب: «إِذَا رَيْبَتْ الْأَنْفُ بِالْحَزَّةِ وَإِذَا سَرَقَتْ فَاسْأَلِ الدَّرَّةَ» ۱۲۸
- سپردن عرب مرید به یعنی سبوا را به غلامان خلیفه ۱۲۸
- حکایت ماجرای تحسین و کشیبان ۱۲۹
- قبول کردن خلیفه هدیه عطا نمودن با کمال بی نیازی از آن ۱۳۰
- در صفت پیر و مطاوعت و ۱۳۲
- وصیت کردن رسول علی را که، چون کسی به نوع طاعتی تقرب جوید به حق، ۱۳۳
- کیودی زدن قزوینی بر شانه گاه صورت شیر و سیمان شدن او ۱۳۴
- رفتن گرگ و روباه در خدمت شیر به شکار ۱۳۵
- امتحان کردن شیر گرگ را و گفتن که: پیش ای ای گرگ! بخش کن ۱۳۵
- قصه آن که در یاری بکوفت، از درون گفت: کیست؟ منم! گفت: چون ۱۳۶
- صفت توحید ۱۳۷
- ادب کردن شیر گرگ را که، در قسمت، بی ادبی کرده بود ۱۳۷
- تهدید کردن نوح مر قوم را که، با من مپیچید که من روی پوش ۱۳۸
- نشاندن پادشاهان صوفیان عارف را پیش روی خویش تا چشمتان ۱۳۹
- آمدن مهمان پیش یوسف و تقاضای یوسف از او تحفه و ارمغان ۱۳۹
- گفتن مهمان یوسف را که آینه ای آوردمت ارمغان، تا هر بار که در وی ۱۴۰
- مرتد شدن کاتب وحی به سبب آنکه پرتو وحی بر او زد آن آیت را پیش ۱۴۱
- دعا کردن بلعم باعور که، موسی و قومش را از این شهر که حصار داده اند، ۱۴۳
- اعتماد کردن هاروت و ماروت بر عصمت خویش و آمیزی اهل دنیا خواستن ۱۴۴
- باقی قصه هاروت و ماروت و نکال، و عقوبت ایشان هم در دنیا به چاه بابل ۱۴۵
- به عیادت رفتن گر بر همسایه رنجور خویش ۱۴۵
- اول کسی که در مقابله نص قیاس آورد، ابلیس بود ۱۴۷

- در بیان آنکه حال خود و مستی خود پنهان باید داشت از جاهلان ۱۴۷
- قصه مری کردن رومیان و چینیان در علم نقاشی و صورتگری ۱۴۹
- پرسیدن پیغامبر مرزید را، امروز چونی و چون برخاستی؟ و جواب گفتن ۱۵۰
- متهم کردن غلامان و خواجه تاشان مرلقمان را که آن میوه های تَر و نَده که ۱۵۲
- بقیه قصه زید در جواب رسول ۱۵۳
- گفتن پیغامبر مرزید را که این سیر را فاش تر از این مگو و متابعت نگاهدار ۱۵۴
- بازگشتن به حکایت زید ۱۵۵
- آتش افتادن به شهر به ایام عمر ۱۵۶
- خداوندان بنی آدم بر روی امیرالمؤمنین علی و انداختن علی شمشیر را از دست ۱۵۶
- سؤال کردن از کافر از علی که، چون بر چون منی مظفر شدی، شمشیر را ۱۵۸
- جواب گفتن امیرالمؤمنین علی که سبب افکندن شمشیر ۱۵۸
- از دست چه بود آن ۱۵۸
- گفتن پیغامبر به گوش رکاب امیرالمؤمنین که کشتن علی بر دست ۱۶۰
- تعجب کردن آدم از ضلالت ابلیس و عجب آوردن ۱۶۲
- بازگشتن به حکایت امیرالمؤمنین علی و مسامحه کردن او با خونی خویش ۱۶۳
- آمدن رکابدار علی که: از بهر خدا میاید از این قضا برهان ۱۶۳
- بیان آنکه فتح طلبیدن پیغامبر مکه را حجت دوستی مُلک دنیا ۱۶۳
- گفتن امیرالمؤمنین علی با قرین خود که، چون انداختی روی من، ۱۶۴

۱۶۷ دفتر دوم

- مقدمه ۱۶۹
- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۱۷۱
- هلال پنداشتن آن شخص خیال را در عهد عمر ۱۷۴
- دزدیدن مارگیر ماری را از مارگیر دیگر ۱۷۵
- التماس کردن همراه عیسی زنده کردن استخوان ها از عیسی ۱۷۵
- اندرز کردن صوفی خادم را در تیمارداشت بهیمه و لاجول گفتن خادم ۱۷۵
- بسته شدن تقریر معنی حکایت به سبب میل مستمع به استماع ۱۷۶
- گمان بردن کاروانیان که بهیمه صوفی رنجور است ۱۷۷
- یافتن پادشاه باز را به خانه کمپیرزن ۱۸۰
- حلوا خریدن شیخ احمد خضرویه جهت غریمان به الهام حق ۱۸۲
- ترسانیدن شخصی زاهدی را که، کم گیری تا کور نشوی ۱۸۴
- تمامی قصه زنده شدن استخوان ها به دُعای عیسی ۱۸۴
- خاریدن روستایی در تاریکی شیر را به ظن آنکه گاو اوست ۱۸۶

- ۱۸۶ فروختن صوفیان بهیمه مسافر را جهت سماع
- ۱۸۸ تعریف کردن منادیان قاضی مقلسی را گرد شهر
- ۱۸۹ شکایت کردن اهل زندان پیش وکیل قاضی از دست آن مقلس
- ۱۹۰ تتمه قصه مقلس
- ۱۹۳ مثل
- ۱۹۴ ملامت کردن مردم شخصی را که مادرش را کشت به تهمت
- ۱۹۶ امتحان پادشاه به آن دو غلام که نو خریده بود
- ۱۹۶ به راه کردن راه یکی را از آن دو غلام و از این دیگر پرسیدن
- ۱۹۸ قسم غلام در صدق و وفای یار خود از طهارت ظن خود
- ۲۰۲ حسد کردن خشم بر غلام خاص
- ۲۰۶ کلوخ انداختن تشنه آب دیوار در جوی آب
- ۲۰۷ فرمودن والی آن مرد را که آن خارین را که تشنه‌ای بر سر راه برکن
- ۲۱۲ آمدن دوستان به بیمارستان پس ذالنون
- ۲۱۳ فهم کردن مریدان که ذالنون دیوانه نشد است، قاصد کرده است
- ۲۱۳ رجوع به حکایت ذالنون
- ۲۱۴ امتحان کردن خواجه لقمان زیرکی لقمان را
- ۲۱۵ ظاهر شدن فضل و زیرکی لقمان پیش امت که دکان
- ۲۱۷ تتمه حسد آن خشم بر آن غلام خاص سالار
- ۲۱۸ عکس تعظیم پیغام سلیمان در دل بلقیس از ضرورت حق هدیه
- ۲۱۹ انکار فلسفی بر قرائت اِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا
- ۲۲۲ انکار کردن موسی بر مناجات شبان
- ۲۲۳ عتاب کردن حق تعالی موسی را از بهر شبان
- ۲۲۳ وحی آمدن موسی را در عذر آن شبان
- ۲۲۵ پرسیدن موسی از حق تعالی سر غلبه ظالمان
- ۲۲۶ رنجانیدن امیری خفته‌ای را که مار در دهانش رفته بود
- ۲۲۸ اعتماد کردن بر تملق و وفای خرس
- ۲۳۰ گفتن نابینایی سائل، که دو کوری دارم
- ۲۳۰ تتمه حکایت خرس و آن ابله که بر وفای او اعتماد کرده بود
- ۲۳۱ گفتن موسی گوساله پرست را که، آن خیال اندیشی و حزم تو که جاست؟
- ۲۳۲ ترک گفتن آن مرد ناصح بعد از مبالغه پند مغرور خرس را
- ۲۳۳ تملق کردن دیوانه جالینوس را و ترسیدن جالینوس
- ۲۳۳ سبب پریدن و چریدن مرغی با مرغی که جنس او نبود
- ۲۳۴ تتمه اعتماد آن مغرور بر تملق خرس

- ۲۳۴ رفتن مصطفی به عبادت صحابی رنجور و بیان فایده عبادت
- ۲۳۵ وحی کردن حق تعالی به موسی که، چرا به عبادت من نیامدی
- ۲۳۵ تنها کردن باغبان صوفی و فقیه غلوی را از همدیگر
- ۲۳۷ رجعت به قصه مریض و عبادت پیغامبر
- ۲۳۷ گفتن شیخی ابا یزید را که کعبه منم، گرد من طوافی می کن
- ۲۳۷ حکایت
- ۲۳۸ دانستن پیغامبر که سبب رنجوری آن شخص، گستاخی بوده است در دعا
- ۲۴۰ عذر گفتن دلقک یا سید که، چرا فاحشه را نکاح داد
- ۲۴۰ به حیل، در سخن آوردن سائل آن بزرگ را که خود را دیوانه ساخته بود
- ۲۴۱ حمله به آن سگ بر کور گدا
- ۲۴۲ خوابیدن مست خراب افتاده را به زندان
- ۲۴۲ دوم بار در سخن کشیدن سائل آن بزرگ را تا حال او معلوم تر گردد
- ۲۴۴ تشنه نصیحت رسول گمار را
- ۲۴۷ وصیت کردن پیغامبر مست گمار را و دعای آموزیدنش
- ۲۴۸ بیدار کردن ابلیس مریه را که، خوب وقت نماز است
- ۲۴۹ از خر فکندن ابلیس معاویه را و رویوش و بهانه کردن و جواب
- ۲۴۹ باز جواب گفتن ابلیس معاویه را
- ۲۵۰ باز تقریر کردن معاویه با ابلیس مکر او را
- ۲۵۱ باز جواب گفتن ابلیس معاویه را
- ۲۵۱ عنف کردن معاویه با ابلیس
- ۲۵۲ نالیدن معاویه به حضرت حق تعالی از ابلیس و نصرت خواستن
- ۲۵۲ باز تقریر ابلیس تلخیص خود را
- ۲۵۳ باز الحاح کردن معاویه ابلیس را
- ۲۵۳ شکایت قاضی از آفت قضا و جواب گفتن نایب او را
- ۲۵۳ به اقرار آوردن معاویه ابلیس را
- ۲۵۴ راست گفتن ابلیس ضمیر خود را به معاویه
- ۲۵۴ فضیلت حسرت خوردن آن مخلص بر فوت نماز جماعت
- ۲۵۴ تشنه اقرار ابلیس به معاویه مکر خود را
- ۲۵۵ فوت شدن دزد به آواز دادن آن شخص صاحب خانه را که نزدیک آمده
- ۲۵۶ قصه منافقان و مسجد ضرار ساختن ایشان
- ۲۵۶ فریفتن منافقان پیغمبر را تا به مسجد ضرارش بزنند
- ۲۵۸ اندیشیدن یکی از صحابه به انکار که رسول چرا ستاری نمی کند
- ۲۵۸ قصه آن شخص که اشتر ضاله خود می جست و می پرسید

۲۵۹	مرتد شدن در میان مذهب‌های مخالف و بیرون شدن و مخلص یافتن
۲۵۹	امتحان هر چیزی تا ظاهر شود خیر و شری که در وی است
۲۶۰	شرح فایده حکایت آن شخص شتر جوینده
۲۶۲	بیان آنکه در هر نفسی، فتنه مسجد ضرار هست
۲۶۲	حکایت هندو که با یار خود جنگ می‌کرد بر کازی و خیر نداشت
۲۶۳	قصد کردن غزان به کشتن یک مردی تا آن دگر بترسد
۲۶۳	بیان حال خودپرستان و ناشکران در نعمت وجود انبیا و اولیا
۲۶۴	شکایت گفتن پیرمردی به طبیب از رنجوری‌ها و جواب گفتن طبیب او را
۲۶۵	قصه جوی و آن کودک که پیش جنازه پدر خویش نوحه می‌کرد
۲۶۶	ترسیدن آن شخص صاحب جثه و گفتن آن شخص که، ای کودک!
۲۶۶	قصه تیراندازی و ترسیدن او از سواری که در پیشم‌ای می‌رفت
۲۶۷	قصه اعرابی و آنکس که در حال کردن و ملامت کردن آن فیلسوف او را
۲۶۸	کرامات ابراهیم ادهدس علیه‌السلام روحه العزیز بر لب دریا
۲۶۹	آغاز منور شدن عارف به راه ریبین
۲۷۰	طعنه زدن بیگانه‌ای در سخن و جواب گفتن مرید شیخ او را
۲۷۱	بقیه قصه ابراهیم بر لب آن
۲۷۲	دعوی کردن آن شخص که، خدا را تعجب مرا نمی‌گیرد به گناه
۲۷۳	بقیه قصه طعنه زدن آن مرد بیگانه در شیخ
۲۷۴	گفتن عایشه مصطفی را که توبی مصلای به هر جا نماز می‌کنی
۲۷۵	کشیدن موش مهار شتر را و معجب شدن موش در خود
۲۷۶	کرامات آن درویش که در کشتی متهمش کردند
۲۷۷	تشنیع صوفیان بر آن صوفی که پیش شیخ بسیار می‌گفت
۲۷۷	عذر گفتن فقیر به شیخ
۲۷۹	بیان دعوی که عین آن دعوی، گواه صدق خویش است
۲۸۰	سجده کردن یحیی در شکم مادر، مسیح را
۲۸۰	اشکال آوردن بر این قصه
۲۸۰	جواب اشکال
۲۸۰	سخن گفتن به زبان حال و فهم کردن آن
۲۸۱	پذیرا آمدن سخن باطل در دل باطلان
۲۸۱	جستن آن درخت که هر که میوه آن درخت خورد، نمیرد
۲۸۲	شرح کردن شیخ سز آن درخت با آن طالب مقلد
۲۸۲	منازعت چهار کس جهت انگور که هر یکی به نام دیگر فهم کرده بود آن را
۲۸۳	برخاستن مخالفت و عداوت از میان انصار به برکات رسول

- ۲۸۵ قصه بطبعگان که مرغ خانگی پروردشان
 ۲۸۵ حیران شدن حاجیان در کرامات آن زاهد که در بادیه تنهانش یافتند
 ۲۸۷ دفتر سوم
 ۲۸۹ مقدمه
 ۲۹۱ بسم الله الرحمن الرحيم
 ۲۹۳ قصه خوردگان پیل بچه از حرص و ترک نصیحت ناصح
 ۲۹۴ بقیه قصه حرمضان پیل بچگان
 ۲۹۵ بازگشت به حکایت پیل
 ۲۹۶ بیان آنکه عطای محبان بهتر از صواب پیگانگان است نزد محبوب
 ۲۹۶ امر حق تعالی به رسی که مرا به دهانی خوان که بدان دهان گناه نکرده ای
 ۲۹۶ بیان آنکه الله گداز نیامد عین لیبیک گفتن حق است
 ۲۹۸ فریفتن روستایی شهری به دعوت خواندن به لایه و الحاج بسیار
 ۲۹۹ قصه اهل سبا و طاعی که دن عمت کشان را
 ۳۰۰ جمع آمدن اهل آفت هر صباح بر سر سوخته عیسی جهت
 ۳۰۲ باقی قصه اهل سبا
 ۳۰۳ بقیه داستان رفتن خواجه به دعوت روستایی سوی دیه
 ۳۰۴ دعوت باز بطان را از آب به صحرا
 ۳۰۵ قصه اهل ضروان و حیلست کردن ایشان تا بی زحمت دریشان باغ ها
 ۳۰۶ روان شدن خواجه به سوی دیه
 ۳۰۷ رفتن خواجه و قومش به سوی ده
 ۳۰۸ نواختن مجنون آن سگ را که مقیم گوی لیلی بود
 ۳۰۹ رسیدن خواجه و قومش به ده و نادیده و ناشناخته آوردن ایشان را
 ۳۱۲ افتادن شغال در خم رنگ و رنگین شدن و دعوی طاووسی کرد میان شغالان
 ۳۱۳ جرب کردن مرد لافی لب و سبیل خود را هر بامداد به پوست دتبه و خوردن
 ۳۱۳ ایمن بودن بلعم باغور که امتحان ها کرد حضرت و از آنها روی سپید آمد
 ۳۱۴ دعوی طاووسی کردن آن شغال که در خم صباغ افتاد
 ۳۱۴ تشبیه فرعون و دعوی الوهیت او بدان شغال که دعوی طاووسی می کرد
 ۳۱۵ تفسیر «وَلْتَعْرِفْنَهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ»
 ۳۱۵ قصه هاروت و ماروت و دلیری ایشان بر امتحان حق تعالی
 ۳۱۶ قصه خواب دیدن فرعون آمدن موسی را و تدارک اندیشیدن
 ۳۱۷ به میدان خواندن بنی اسرائیل را برای حیلست منع ولادت موسی
 ۳۱۷ حکایت
 ۳۱۷

- ۳۱۷ بازگشتن فرعون از میدان به شهر شاد به تفریق بنی اسرائیل
- ۳۱۸ جمع آمدن عمران با مادر موسی و حامله شدن مادر موسی
- ۳۱۸ وصیت کردن عمران جفت را بعد از مجامعت که مرا ندیده باشی
- ۳۱۸ ترسیدن فرعون از آن بانگ
- ۳۱۸ پیدا شدن ستاره موسی بر آسمان و غریو منجمان در میدان
- ۳۱۹ خواندن فرعون زنان نوزاد را سوی میدان هم جهت مکر
- ۳۲۰ به وجود آمدن موسی و آمدن عوانان به خانه عمران و وحی آمدن به
- ۳۲۰ وحی آمدن به مادر موسی که موسی را در آب افکن
- ۳۲۱ حکایت مازگیر که ازدهای فسرده را مرده پنداشت و در ریسمان‌هایش
- ۳۲۳ تهدید کردن فرعون موسی را
- ۳۲۴ جواب موسی فرعون را در تهدیدی که می‌کردش
- ۳۲۴ پاسخ فرعون موسی را
- ۳۲۴ جواب موسی فرعون را
- ۳۲۴ جواب فرعون موسی را و وحی آمدن موسی را
- ۳۲۵ مهلت دادن موسی فرعون را تا ساحران را جمع کند از مداین
- ۳۲۶ فرستادن فرعون به مداین و طلب ساحران
- ۳۲۷ خواندن آن دو ساحر پدر را از کور و رسیدن از روان پدر حقیقت موسی
- ۳۲۷ جواب گفتن ساحر مرده با فرزندان خود
- ۳۲۸ تشبیه کردن قرآن مجید را به عصای موسی و وفات مصطفی را نمودن
- ۳۲۹ جمع آمدن ساحران از مداین پیش فرعون و تشریف‌ها یافتن و دست بر سینه
- ۳۳۰ اختلاف کردن در چگونگی و شکل پیل
- ۳۳۳ توفیق میان این دو حدیث که: «الرضا بالكفر كفر» و «الایمان یکر»
- ۳۳۳ مثل در بیان آنکه حیرت مانع بحث و فکرت است
- ۳۳۳ حکایت
- ۳۳۴ داستان مشغول شدن عاشقی به عشق نامه خواندن و مطالعه کردن
- ۳۳۵ حکایت آن شخص که در عهد داوود شب و روز دعا می‌کرد
- ۳۳۷ دیدن گاو در خانه آن دعاکننده به الحاح، قال النبی: «اِنَّ الله
- ۳۳۷ عذر گفتن نظم‌کننده و مدد خواستن
- ۳۳۷ بیان آنکه علم را دو پیر است و گمان را یک پیر است، ناقص آمد ظن
- ۳۳۸ مثال رنجور شدن آدمی به وهم تعظیم خلق و رغبت مشتریان
- ۳۳۸ عقول خلق متفاوت است در اصل فطرت و نزد معتزله تساوی است، تفاوت
- ۳۳۹ در وهم افکندن کودکان استاد را
- ۳۳۹ بیمار شدن فرعون هم به وهم از تعظیم خلقان

- ۳۳۹ رنجور شدن استاد به وَهْم.....
- ۳۴۰ در جامه خواب افتادن استاد و نالیدن او از وَهْم رنجوری.....
- ۳۴۰ دوم بار در وَهْم افکندن کودکان استاد را که او را از قرآن خواندن.....
- ۳۴۰ خلاص یافتن کودکان از مکتب بدین مکر.....
- ۳۴۱ رفتن مادران کودکان به عیادتِ اوستاد.....
- ۳۴۱ در بیان آنکه تَنْ روح را چون لباسی ست و این دست آستین، دست روح.....
- ۳۴۱ حکایت آن درویش که در کوه خلوت کرده بود و بیان حلاوت انقطاع و خلوت.....
- ۳۴۲ دیدن زرگر، قیمت کار را و سخن بر وفق عاقبت گفتن با مستعیر ترازو.....
- ۳۴۲ بقیه قصه، آن زاهد کوهی که نذر کرده بود که میوه کوهی از درخت باز.....
- ۳۴۲ تشبیه بند دام صاحب درخت پنهان به اثر پیدا.....
- ۳۴۳ مضطر شدن پیر نذر کرده به کنندن امروز از درخت و گوشمال.....
- ۳۴۳ متهم کردن آن شیخ را به دزدان و بریدن دستش را.....
- ۳۴۴ کرامات شیخ اقطع و نبیا یافتن به دودست.....
- ۳۴۵ سبب جرئت ساحران فرعون در قتل است و با.....
- ۳۴۶ شکایت استر پیش شترکه من بسیار در رو می افتم و تو نمی افتی الا به نادر.....
- ۳۴۶ اجتماع اجزای خر غزیر بعد از یوبل به آن.....
- ۳۴۶ جوع ناکردن شیخی بر مرگ فرزندان سود.....
- ۳۴۷ عذر گفتن شیخ بهر ناکریستن بر مرگ فرزندان خود.....
- ۳۴۸ قصه خواندن شیخ ضریب مصحف را در رو و بینا شدن و قرائت.....
- ۳۴۹ صبر کرد لقمان چون دید که داوود علیه السلام حلقه ها می ساخت از زغال کردن با.....
- ۳۴۹ بقیه حکایت نابینا و مصحف.....
- ۳۵۰ صفت بعضی اولیا که راضی اند به احکام و دعا، و لایه نک.....
- ۳۵۰ سؤال کردن بهلول آن درویش را.....
- ۳۵۱ قصه دقوقی و کراماتش.....
- ۳۵۲ بازگشتن به قصه دقوقی.....
- ۳۵۲ سیر طلب کردن موسی خضر را با کمال نبوت و قربت.....
- ۳۵۳ بازگشتن به قصه دقوقی.....
- ۳۵۳ نمودن مثال هفت شمع سوی ساحل.....
- ۳۵۳ شدن آن هفت شمع بر مثال یک شمع.....
- ۳۵۴ نمودن شمع ها در نظر هفت مرد.....
- ۳۵۴ باز شدن آن شمع ها هفت درخت.....
- ۳۵۴ مخفی بودن آن درختان از چشم خلق.....
- ۳۵۵ یک درخت شدن آن هفت درخت.....

۳۵۵	هفت مرد شدن آن هفت درخت
۳۵۶	پیش رفتن دقوقی به امامت
۳۵۸	پیش رفتن دقوقی به امامت آن قوم
۳۵۸	اقتدا کردن قوم از پس دقوقی
۳۵۹	بیان اشارت سلام سوی دست راست در قیامت از هیبت محاسبه حق و از
۳۵۹	شنیدن دقوقی در میان نماز افغان آن کشتی که غرق خواست شدن
۳۶۰	تصویرات مرد حازم
۳۶۰	دعا و شفاعت دقوقی در خلاص کشتی
۳۶۲	انکار کردن آن جماعت بر دعا و شفاعت دقوقی و پریدن ایشان و نابیدا
۳۶۳	باز شرح کردن حکایت آن طالب روزی حلال بی کسب و رنج در عهد
۳۶۴	رفتن هر دو خصم نزد داوود پیغامبر علیه السلام
۳۶۵	شنیدن داوود علیه السلام سخن هر دو خصم و سؤال کردن از مدعی علیه
۳۶۶	حکم کردن داوود علیه السلام بر گاو
۳۶۶	تضییع آن شخص از دسری داوود علیه السلام
۳۶۷	در خلوت رفتن داوود تا حقیقت پیدا شود
۳۶۷	حکم کردن داوود بر صاحب رکه سرگاو برخیز و تشنیع
۳۶۷	حکم کردن داوود بر صاحب گاو و جمع مال خود را به وی ده
۳۶۸	عزم کردن داوود علیه السلام به خواندن خلق بدان صاحب راز آشکار کند
۳۶۸	گواهی دادن دست و پا و زبان بر سر ظالم در دنیا
۳۶۹	برون رفتن خلق به سوی آن درخت
۳۶۹	قصاص فرمودن داوود علیه السلام خونی را بعد از الزام حجت بر آن
۳۷۰	بیان آنکه نفس آدمی به جای آن خونی است که مدعی گشته بود و آن گاو
۳۷۲	گریختن عیسی علیه السلام فراز کوه از احمقان
۳۷۳	قضه اهل سبا و حماقت ایشان و اثر ناکردن نصیحت انبیا در احسان
۳۷۳	شرح آن کور دوربین و آن کر تیز شنو و آن برهنه دراز دامن
۳۷۴	صفت خرمی شهر اهل سبا و ناشکری ایشان
۳۷۵	آمدن پیغامبران از حق به نصیحت اهل سبا
۳۷۶	معجزه خواستن قوم از پیغامبران
۳۷۷	متهم داشتن قوم انبیا را
۳۷۷	حکایت خرگوشان که، خرگوشی را به رسالت پیش پیل فرستادند که بگو
۳۷۷	جواب گفتن انبیا طعن ایشان را و مثل زدن ایشان را
۳۷۸	بیان آنکه هر کس را نرسد مثل آوردن خاصه در کار الهی
۳۷۹	مثل ها زدن قوم نوح به استهزا در زمان کشتی ساختن

- ۳۷۹ حکایت آن دزد که می پرسیدندش که چه می کنی نیم شب در بن این دیوار؟
- ۳۷۹ جواب آن مثل که منکران گفتند از رسالت خرگوش پیغام
- ۳۸۰ معنی حزم و مثال مرد حازم
- ۳۸۱ و خامت کار آن مرغ که ترک حزم کرد از حرص و هوا
- ۳۸۲ حکایت نذر کردن سگان هر زمستان که این تابستان چون بیاید
- ۳۸۲ منع کردن منکران انبیاء علیهم السلام را از نصیحت کردن و حجت آوردن جبر یانه
- ۳۸۲ جواب انبیاء علیهم السلام مر جبر یان را
- ۳۸۳ مکرر کردن کافران حجت های جبر یانه را
- ۳۸۳ باز جواب انبیاء علیهم السلام ایشان را
- ۳۸۴ مکرر کردن قوم اعتراض توحید بر انبیاء علیهم السلام
- ۳۸۴ باز راب انبیاء علیهم السلام
- ۳۸۵ حکمت آفریدن دوزخ آن جهان و زندان این جهان تا معبد متکبران
- ۳۸۵ بیان آنکه حق تعالی صورت ملوک را سبب مستخر کردن جباران که مستخر حق
- ۳۸۶ قصه عشق صوفی به سفره نهی
- ۳۸۶ مخصوص بودن یعرب علیه السلام به چشیدن جام حق از روی یوسف و کشیدن
- ۳۸۷ حکایت امیر و غلام که نماز باره بود و انس عظیم داشت در
- ۳۸۸ نومید شدن انبیا از قبر و پشیمانی منکران قوله: ختی
- ۳۸۸ بیان آنکه ایمان مقلد خوف است
- ۳۸۸ بیان آنکه رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «ان الله تامل و لیاة أخفیا»
- ۳۸۹ حکایت مندی در تنور پر آتش انداختن انس علیه السلام و ناسوختن
- ۳۹۰ قصه فریاد رسیدن رسول صلی الله علیه و آله کاروان عرب را که از تشنگی و بی آبی
- ۳۹۱ مشک آن غلام از غیب پر آب کردن به معجزه از آن غلام سیاه را
- ۳۹۱ دیدن خواجه غلام خود را سپید و ناشناختن که است گفتن که غلام مرا
- ۳۹۲ بیان آنکه حق تعالی هر چه داد و آفرید از سماوات و زمین و اعیان و اعراض
- ۳۹۳ آمدن آن زن کافر با طفل شیرخواره به نزدیک مصطفی صلی الله علیه و آله و عقوبت
- ۳۹۳ ربودن عقاب موزه مصطفی صلی الله علیه و آله و بردن بر هوا و نگون کردن و از معجزه
- ۳۹۴ وجه عبرت گرفتن از این حکایت و یقین دانستن که: ان
- ۳۹۴ استدعای آن مرد از موسی زبان بهایم با طیور
- ۳۹۵ وحی آمدن از حق تعالی به موسی که بیاموزش چیزی که استدعا
- ۳۹۵ قانع شدن آن طالب به تعلیم زبان مرغ خانگی و سگ و اجابت موسی صلی الله علیه و آله
- ۳۹۶ جواب خروس سگ را
- ۳۹۶ خجل گشتن خروس پیش سگ به سبب دروغ شدن در آن سه وعده
- ۳۹۷ خبر کردن خروس از مرغ خواجه

- دویدن آن شخص به سوی موسی به زنده‌ار چون از خروس خبر مرگ خود شنید ۳۹۷
- دعا کردن موسی آن شخص را تا به ایمان رود از دنیا ۳۹۸
- اجابت کردن حق تعالی دعای موسی علیه السلام را ۳۹۸
- حکایت آن زنی که فرزندش نمی‌زیست، بنالید، جواب آمد که، آن عوض ۳۹۹
- درآمدن حمزه علیه السلام در جنگ بی زره ۳۹۹
- جواب حمزه مر خلق را ۴۰۰
- حیله دفع مغیوب شدن در بیع و شرا ۴۰۱
- وفات یافتن یلال علیه السلام با شادی ۴۰۲
- حکمت ریزان شدن تن به مرگ ۴۰۳
- تشبیه دانه به ظاهر فراخ است و به معنی تنگ، و تشبیه خواب ۴۰۳
- بیان آنکه هر چه غنات و غم و کاهلی و تاریکی است، همه از تن ۴۰۴
- تشبیه نص با آس ۴۰۴
- آداب المستمعین من عند فیض الحکمة من لسان الشیخ ۴۰۵
- شناختن هر حیوانی بری مثال و تقلید و میان دانستن ماهیت آن چیز ۴۰۵
- فرق میان دانستن چیزی ۴۰۶
- جمع و توفیق میان نفی و اثبات یک چیز از روی نسبت و اختلاف جهت ۴۰۷
- مسأله فنا و بقای درویش ۴۰۷
- قصه وکیل صدر جهان که متهم شد و از ۴۰۸
- پیدا شدن روح القدس به صورت آدمی بر مریم به وقت برهنگی و غسل کردن ۴۰۸
- گفتن روح القدس مریم را که: من رسول حقم به تو شفت مشو ۴۱۰
- عزم کردن آن وکیل از عشق که رجوع کند به بخارا ۴۱۱
- پرسیدن معشوقی از عاشق غریب خود که از شهرها کدام شهر را خوش تر یافتی ۴۱۱
- منع کردن دوستان او را از رجوع کردن به بخارا و تهدید کرد ۴۱۲
- لأبالی گفتن عاشق ناصح و عادل را از سر عشق ۴۱۲
- رو نهادن آن بنده عاشق سوی بخارا ۴۱۳
- در آمدن آن عاشق لأبالی در بخارا و تحذیر کردن دوستان او را از پیدا شدن ۴۱۴
- جواب گفتن عاشق عادلان و تهدید کنندگان را ۴۱۴
- رسیدن آن عاشق به معشوق خویش چون دست از جان خود بشست ۴۱۵
- صفت آن مسجد که عاشق کش بود و آن عاشق مرگ جوی لأبالی ۴۱۵
- مهمان آمدن در آن مسجد ۴۱۵
- ملاست کردن اهل مسجد آن مهمان عاشق را از شب خفتن در آنجا ۴۱۶
- جواب گفتن عاشق عادلان را ۴۱۶
- عشق جالینوس بر این حیات دنیا بود که هنر او همین جا به کار می‌آید، هنری ۴۱۷

- ۴۱۸ دیگر باره ملامت کردن اهل مسجد مهمان را از شب خفتن در آن مسجد.....
- ۴۱۹ گفتن شیطان قریش را که به جنگ احمد آید که من یاری ها کنم و قبله خود.....
- ۴۲۰ مکرر کردن عاذلان پند را بر آن مهمان آن مسجد مهمان گش.....
- ۴۲۰ جواب گفتن مهمان ایشان را و مثل آوردن به دفع کردن حارس کشت به.....
- ۴۲۳ تمثیل گریختن مؤمن و بی صبری او در بلا به اضطراب و بی قراری نخود.....
- ۴۲۴ تمثیل صابر شدن مؤمن چون بر شر و خیر بلا واقف شود.....
- ۴۲۴ عذر گفتن کدبانو یا نخود و حکمت در جوش داشتن کدبانو نخود را.....
- ۴۲۴ باقی قصه مهمان آن مسجد مهمان گش و ثبات و صدق او.....
- ۴۲۵ ذکر خیانت اندیشیدن قاصر فهمان.....
- ۴۲۵ تفسیر این شعر مصطفی صلی الله علیه و آله که، لِلْقُرْآنِ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ وَ لِبَطْنِهِ.....
- ۴۲۶ بیان آنکه رفتن اندام اولیا صلی الله علیه و آله به کوه ها و غارها، جهت پنهان کردن خویش.....
- ۴۲۶ تشبیه صورت رلیا و صورت کلام اولیا به صورت عصای.....
- ۴۲۶ تفسیر یا جناب اوب معنی اثر.....
- ۴۲۷ جواب طعنه زننده در مثنوی ارقصی فهم خود.....
- ۴۲۷ مثل زدن در رمیدن کوزه است از آب خوردن به سبب شخولیدن سایه سان.....
- ۴۲۸ بقیه ذکر آن مهمان مسجد مهمان گش.....
- ۴۲۸ تفسیر آیت وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَ جُنُودِكَ.....
- ۴۲۹ رسیدن بانگ طلسمی نیم شب مهمان.....
- ۴۳۰ ملاقات آن عاشق با صدر جهان.....
- ۴۳۱ جذب هر عنصری جنس خود را که در ترکیب آدمی.....
- ۴۳۲ منجذب شدن جان نیز به عالم ارواح و تقاضای او و میل او به مقر خود.....
- ۴۳۲ فسخ عزایم و نقض ها جهت باخیر کردن آدمی را از آنکه سالک و قاهر اوست.....
- ۴۳۳ نظر کردن پیغامبر صلی الله علیه و آله به اسیران و تبسم کردن و گفتن که: عَجَبٌ مِنْ قَوْمٍ.....
- ۴۳۳ تفسیر این آیت که: إِنْ تَشْتَفِیْهُمْ فَقَدْ جَاءَ كُمْ الْفَتْخُ (الآیه).....
- ۴۳۴ سر آنکه بی مراد بازگشتن رسول صلی الله علیه و آله از حدیبیه حق تعالی لقب آن فتح است، إِنْ.....
- ۴۳۴ تفسیر این خبر که، مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: لَا تُفْضَلُونِي عَلَى يُونُسَ بْنِ مَتَّى.....
- ۴۳۵ آگاه شدن پیغامبر صلی الله علیه و آله از طعن ایشان بر شجاعت او.....
- ۴۳۶ بیان آنکه طاعی در عین قاهری، مقهور است و در عین منصوری، مأسور.....
- ۴۳۷ جذب معشوق عاشق را مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُهُ الْعَاشِقُ وَلَا يَرْجُوهُ وَلَا يَخْطُرُ بِإِلَهِهِ.....
- ۴۳۸ داد خواستن پشه از باد به حضرت سلیمان علیه السلام.....
- ۴۳۸ امر کردن سلیمان علیه السلام پشه متظلم را به احضار خصم به دیوان حکم.....
- ۴۳۹ نواختن معشوق عاشق بیهوش را تا به هوش باز آید.....
- ۴۴۰ با خویش آمدن عاشق بیهوش و روی آوردن به ثنا و شکر معشوق.....

۴۴۲	حکایت عاشقی دراز هجرانی و بسیار امتحانی
۴۴۲	یافتن عاشق معشوق را و بیان آنکه جوینده یابنده بود که:
۴۴۵	دفتر چهارم
۴۴۷	مقدمه
۴۴۹	بسم الله الرحمن الرحيم
۴۵۰	تمامی حکایت آن عاشق که از عَمَس گریخت در باغی مجهول، خود معشوق را:
۴۵۱	حکایت آن واعظ که هر آغاز تذکیر، دعای ظالمان و سخت دلان
۴۵۲	سؤال کرد از عیسی علیه السلام که در وجود از همه صعب‌تر چیست؟
۴۵۲	قصد بیان زدن عاشق و بانگ بر زدن معشوق بروی
۴۵۲	قصه آن صوفی که در خود را با بیگانه‌یی برگرفت
۴۵۴	معشوق را زیر چادر پنهان کردن جهت تلبیس و بهانه گفتن
۴۵۵	گفتن زن که او در دنیا جهان نیست، مراد او ستر و صلاح است و جواب
۴۵۵	غرض از سمیع و بصیر متن خدا را
۴۵۶	مثال دنیا چون گلخن و تفر چون سمام
۴۵۷	قصه آن دباغ که در بازار عطاران از بوی عطر و مشک بیهوش و رنجور شد
۴۵۸	معالجه کردن برادر دباغ، دباغ را به نضیه بوی سرکن
۴۵۸	عذر خواستن آن عاشق از گناه خویش به تاسی روی پوش و فهم
۴۵۹	رد کردن معشوقه عذر عاشق را و تلبیس او با روی او مالیدن
۴۶۰	گفتن آن جهود علی را کرم الله وجهه که اگر اعدای با حافظ حق
۴۶۱	قصه مسجد اقصی و خروب و عزم کردن داوود علیه السلام بر سلیمان علیه السلام
۴۶۱	شرح اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ وَالْعُلَمَاءُ كَنَفِيسٌ وَاحِدَةٌ؛ خاص اتحاد وود و سلیمان
۴۶۳	بقیه قصه بنای مسجد اقصی
۴۶۴	قصه آغاز خلافت عثمان علیه السلام و خطبه وی در بیان آنکه، ناصح فعل
۴۶۵	در بیان آنکه حکما گویند آدمی عالم صغری است و حکمای الهی گویند آدمی عالم کبری
۴۶۶	تفسیر این حدیث که: مَثَلُ أَهْلِ كَيْفٍ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ تَمَسَّكَ بِهَا نَجَا
۴۶۶	قصه هدیه فرستادن بلقیس از شهر سبا سوی سلیمان علیه السلام
۴۶۷	کرامات و نور شیخ عبدالله مغربی علیه السلام
۴۶۸	بازگردانیدن سلیمان علیه السلام رسولان بلقیس را به آن هدیه‌ها که آورده بودند سوی
۴۶۸	قصه عطاری که سنگ ترازوی او گل سزوی بود و دزدیدن مشتری گل خوار
۴۶۹	دلداری کردن و نواختن سلیمان علیه السلام مر آن رسولان را و دفع وحشت و آزار از دل
۴۷۰	دیدن درویش جماعت مشایخ را در خواب و درخواست کردن روزی حلال
۴۷۰	نیت کردن او که این زر بدهم بدان هیزم‌کش چون من روزی یافتم به

- تحریض سلیمان علیه السلام مر رسولان را بر تعجیل هجرت بلقیس بهر ایمان ۴۷۱
- سبب هجرت ابراهیم ادهم علیه السلام و ترکی مُلک خراسان ۴۷۲
- حکایت آن مرد تشنه که از سر جوزین جوز می ریخت در جوی آب که در گو بود ۴۷۳
- تهدید فرستادن سلیمان علیه السلام پیش بلقیس که اصرار میندیش بر شرک و تأخیر مکن ۴۷۴
- پیدا کردن سلیمان علیه السلام که مرا خالصاً لا مِرَالله جهد است در ایمان تو، یک ذره ۴۷۵
- باقی قصه ابراهیم ادهم علیه السلام ۴۷۶
- بقیه قصه اهل سبا و نصیحت و ارشاد سلیمان علیه السلام آل بلقیس را هر یکی را اندر ۴۷۷
- آزاد شدن بلقیس از مُلک و مست شدن او از شوق ایمان و التفات همت او از همه ۴۷۸
- چاره کردن سلیمان علیه السلام در احضار تخت بلقیس از سبا ۴۷۹
- قصد یاری خواستن حلیمه از بتان چون عقب فطام مصطفی علیه السلام را گم کرد ۴۸۰
- حکایت آن پیر عرب که دلالت کرد حلیمه را به استعانت بتان ۴۸۱
- خبر یافتن مصطفی علیه السلام عبدالمطلب از گم کردن حلیمه محمد علیه السلام را و طالب شدن ۴۸۲
- نشان خواستن عبدالمطلب از موضوع محمد علیه السلام که کجاش یابم و جواب ۴۸۳
- بقیه قصه حضرت و حضرت بلقیس را ۴۸۴
- مثل قانع شدن می به دنیا، حرص او در طلب و غفلت او از دولت روحانیان ۴۸۵
- بقیه قصه عمارت کردن سلیمان علیه السلام مسجد اقصی را به تعلیم و وحی خدا ۴۸۶
- قصه شاعر و صله دادن شاه و ضایع کردن آن وزیر بوالحسن نام ۴۸۷
- باز آمدن شاعر بعد چند سال به ایدهایان و هزار دینار فرمودن بر قاعده ۴۸۸
- مانستن نزد رأیی این وزیر دون در اندیشه و دولت شاه به وزیر فرعون ۴۸۹
- نشستن دیو بر مقام سلیمان علیه السلام و تشنه کردن او، کارهای سلیمان علیه السلام ۴۹۰
- در آمدن سلیمان علیه السلام هر روز در مسجد اقصی و بداند نام شدن جهت عبادت و ۴۹۱
- آموختن پیشه گورکنی قابیل از زاع پیش از آنکه در مال نام ۴۹۲
- قصه صوفی که در میان گلستان سر بر زانوی مراقب بود، یارانش ۴۹۳
- قصه رُستن خُزوب در گوشه مسجد اقصی و غمگین شدن سلطان علیه السلام از ۴۹۴
- بیان آنکه حصول علم و مال و جاه مر بدگوهان را فضاخست و سست و چون ۴۹۵
- در بیان آنکه ترک الحواب جواب مقرر این سخن که جواب الاحسان ۴۹۶
- در تفسیر این حدیث مصطفی علیه السلام که: اِنَّ اللهَ تَعَالٰی خَلَقَ الْمَلٰٓئِكَةَ وَ جَعَلَ فِيْهِمْ ۴۹۷
- در تفسیر این آیت که: وَاَمَّا الَّذِیْنَ فِیْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا ۴۹۸
- چالیش عقل با نفس همچون تنازع مجنون با ناقه، میل مجنون سوی خُزه، ۴۹۹
- نوشتن آن غلام قصه شکایت نقصان اجرای سوی پادشاه ۵۰۰
- حکایت آن فقیه با دستار بزرگ و آنکه بر بود دستارش و بانگ می زد ۵۰۱
- نصیحت دنیا اهل دنیا را به زبان حال و بی وفایی خود را نمودن ۵۰۲
- بیان آنکه عارف را غذایی ست از نور حق که: اَبِیْثُ عِنْدَ رَبِّیْ یُطْعِمُنِیْ وَ یَسْقِیْنِیْ ۵۰۳

- تفسیر: أَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى قُلْنَا لَا تَخَفْ ۵۰۱
- زجر مدعی از دعوی و امر کردن او را به متابعت ۵۰۲
- بقیه قصه نوشتن آن غلام رقعہ به طلب اجرای ۵۰۳
- حکایت آن مداح که از جهت ناموس شکر ممدوح می کرد و بوی اندوه و غم ۵۰۴
- در یافتن طبیبان الهی امراض دین و دل را در سیمای مرید و بیگانه و لحن گفتار ۵۰۵
- مژده دادن ابو یزید از زادن ابوالحسن خرقانی علیه السلام پیش از سال ها و نشان ۵۰۶
- قول رسول صلی الله علیه و آله: اِنِّیْ لَأَجِدُ نَفْسَ الرَّحْمَنِ مِنْ قِبْلِ الْيَمَنِ ۵۰۷
- نقصان اجرای جان و دل صوفی از طعام الله ۵۰۷
- آشفتن آن غلام از نارسیدن جواب رقعہ از قیل پادشاه ۵۰۸
- کز زبید باد بر سلیمان علیه السلام به سبب زلت او ۵۰۹
- شنیدن شیخ ابوالحسن علیه السلام خبر دادن ابو یزید را از بود او و احوال او ۵۰۹
- رقعہ دیگر نوشتن آن آدم پیش شاه چون جواب آن رقعہ اول نیافت ۵۱۰
- قصه آنکه کسی با سوسر می کرد، گفتش: مشورت با ۵۱۱
- امیر کردن رسول صلی الله علیه و آله نواب همدلی را بر شریعی که در آن پیران ۵۱۲
- اعتراض کردن معترضی بر رسول صلی الله علیه و آله بر امیر کردن آن همدلی ۵۱۳
- جواب گفتن مصطفی صلی الله علیه و آله اسراض کننده را ۵۱۴
- قصه سبحانی ما اعظم شأنی گفتن ابی یزید و اعتراض مریدان و جواب ۵۱۵
- بیان سبب فصاحت و بسیار گویی از فخر و خدمت رسول صلی الله علیه و آله ۵۱۶
- بیان رسول صلی الله علیه و آله سبب تفصیل و اختیار کردن او آن همدلی را به امیری و ۵۱۷
- علامت عاقل تمام و علامت نیم عاقل و مرید تمام نیم مرد و ۵۱۸
- قصه آن آبگیر و صیادان و آن سه ماهی، یکی عاقل و یکی نیم ۵۱۸
- سر خواندن وضو کننده اوراد وضو را ۵۱۸
- شخصی به وقت استنجا می گفت: اَللّٰهُمَّ اَرْحِنِیْ رَاحَةَ الْجَنَّةِ ای آنکه: اَللّٰهُمَّ ۵۱۹
- قصه آن مرغ گرفته که وصیت کرد که: برگزشته پشیمانی مخور ۵۲۰
- چاره اندیشیدن آن ماهی نیم عاقل و خود را مرده کردن ۵۲۰
- بیان آنکه عهد کردن احمق وقت گرفتاری و ندم هیچ وفایی ندارد که: وَلَوْ زُفِّرَ ۵۲۱
- در بیان آنکه وهم قلب عقل است و ستیزه اوست، بدو ماند و او نیست و ۵۲۱
- بیان آنکه عمارت در ویرانی است و جمعیت در پراکندگی است و درستی ۵۲۳
- بیان آنکه هر حس مدرکی را از آدمی نیز مدرکاتی دیگر است که از مدرکات آن ۵۲۴
- حمله بردن این جهانیان بر آن جهانیان و تاختن بردن تا سینور دژ و نسل که سر حد ۵۲۶
- بیان آنکه تن شاکی آدمی، همچون آهن نیکو جوهر قابل آیینہ شدن است تا در او ۵۲۷
- باز گفتن موسی علیه السلام اسرار فرعون را و واقعات او را ظهر الغیب تا به ۵۲۷
- بیان آنکه در توبه باز است ۵۲۸

- ۵۲۸ گفتن موسی ﷺ فرعون را که از من یک پند قبول کن و
 ۵۲۹ شرح کردن موسی ﷺ آن چهار فضیلت را جهت پای مزد ایمان فرعون
 ۵۲۹ تفسیر کُنْتُ كَثْرًا مُخْفِيًا فَأَخْبَيْتُ أَنْ أَعْرِفَ
 ۵۳۰ غزه شدن آدمی به ذکاوت و تصویرات طبع خویش و طلب ناکردن علم
 ۵۳۰ بیان این خبر که: كَلِمُوا النَّاسَ عَلَى قَدَرِ عَوْلِهِمْ لَا عَلَى قَدَرِ
 ۵۳۱ قوله ﷺ: مَنْ بَشَّرَنِي بِخُرُوجِ صَفَرٍ بَشَّرْتُهُ بِالْحَنَةِ
 ۵۳۱ مشورت کردن فرعون با ایسیه در ایمان آوردن به موسی ﷺ
 ۵۳۲ قصه باز پادشاه و کمپیر زن
 ۵۳۳ قصه آن را که طفل او بر سر ناودان غیژید و خطر افتادن بود و
 ۵۳۵ مشورت کردن فرعون با وزیرش هامان در ایمان آوردن به موسی ﷺ
 ۵۳۵ تزییف آن جن هامان علیه اللعنة
 ۵۳۶ نومید شدن موسی ﷺ از ایمان فرعون به تأثیر کردن سخن هامان در دل فرعون
 ۵۳۷ منازعت امیران برب مصطفی ﷺ که ملک را مقاسمت کن یا ما تا نزاعی
 ۵۳۸ در بیان آنکه شناسایی قدرت حق نپرسد که بهشت و دوزخ کجاست
 ۵۳۸ جواب دهری که منکر است و عالم را قدیم می گوید
 ۵۴۰ تفسیر این آیه که: وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ نِيَا فَرِيدَمَشَان
 ۵۴۱ وحی کردن حق تعالی به موسی ﷺ در آن موسی! من که خالقم
 ۵۴۱ خشم کردن پادشاه بر ندیم و شفاعت کردن شایع آن مغضوب علیه را و از
 ۵۴۳ گفتن خلیل مر جبرئیل ﷺ را چون پرسیدند: أَلَيْكَ حَاجَةٌ خَلِيلِ جَوَابُش
 ۵۴۳ مطالبه کردن موسی ﷺ حضرت را که: خَلَقْتُ خَلْقًا وَ مَلَكَتْهُمْ وَ جَوَابِ أَمْدَن
 ۵۴۴ بیان آنکه روح حیوانی و عقل جزوی و وهم و خیال بر منال دوغند و
 ۵۴۵ مثال دیگر هم در این معنی
 ۵۴۶ حکایت آن پادشاه زاده که پادشاهی حقیقی به وی روی نمود آه: تَوَلَّى يَغْيَرُ الْمَرْءُ
 ۵۴۷ عروس آوردن پادشاه فرزند خود را از خوف انقطاع نسل
 ۵۴۸ اختیار کردن پادشاه دختر درویش زاهدی را از جهت پسر و اعتراض کردن اهل
 ۵۴۹ مستجاب شدن دعای پادشاه در خلاص پسرش از جادوی کابلی
 ۵۴۹ در بیان آنکه شهزاده آدمی بچه است، خلیفه‌ی خداست، پدرش آدم صفی
 ۵۵۱ حکایت آن زاهد که در سال قحط شاد و خندان بود با مفلسی و بسیاری غیال
 ۵۵۲ بیان آنکه مجموع عالم صورت عقل کل است، چون با عقل کل به کزروی جفا
 ۵۵۲ قصه فرزندان عَزِيزِ ﷺ که از پدر احوال پدر می پرسیدند، گفت: آری، دیدمش
 ۵۵۳ تفسیر این حدیث که: إِنِّي لَا أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً
 ۵۵۳ بیان آنکه عقل جزوی تا به گور بیش نبیند، در باقی مقلد اولیا و انبیاست
 ۵۵۵ بیان آنکه: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَ رُسُولِهِ

۵۵۵	قصه شکایت استر به شتر که، من بسیار در رو می افتم در راه رفتن.....
۵۵۶	تصدیق کردن استر جواب های شتر را و اقرار آوردن به فضل او بر خود و از او.....
۵۵۷	لا به کردن قبطی سبطی را که، یک سبو به نیت خویش از نیل پر کن و بر لب.....
۵۵۹	در خواستن قبطی دعای خیر و هدایت از سبطی و دعا کردن سبطی قبطی.....
۵۶۱	حکایت آن زن پلیدکار که شوهر را گفت که: آن خیالات از سر امر و دین می نماید.....
۵۶۲	باقی قصه موسی علیه السلام.....
۵۶۴	اطوار و منازل خلقت آدمی از ابتدا.....
۵۶۴	بیان آنکه خلق دوزخ گرسنگانند و نالانند به حق، که روزی های ما را.....
۵۶۶	رفتن ذوالقین به کوه قاف و درخواست کردن که: ای کوه قاف! از عظمت.....
۵۶۶	موری را که می رفت، نبشتن قلم دید، قلم را ستودن گرفت. موری دیگر که.....
۵۶۷	نمودن جبرئیل علیه السلام در راه به مصطفی علیه السلام به صورت خویش و از هفتصد پر.....
۵۷۱	دفتر پنجم.....
۵۷۳	مقدمه.....
۵۷۵	بسم الله الرحمن الرحيم.....
۵۷۶	تفسیر خذْ أَزْیَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِنَّهُنَّ.....
۵۷۷	در سبب ورود این حدیث مصطفی علیه السلام: أَنَا أَفْزُ يَأْكُلُ فِي سَبْعَةِ.....
۵۷۸	در حجره گشادن مصطفی علیه السلام بر مهمان و خدمت را به آن خیال.....
۵۷۸	سبب رجوع آن مهمان به خانه مصطفی علیه السلام در آن ساعت که مصطفی علیه السلام نهالین.....
۵۸۰	نواختن مصطفی علیه السلام آن عرب مهمان را، و تسکین دادن او را از آن اضطراب.....
۵۸۰	بیان آنکه نماز و روزه و همه چیزهای برونی گواهی هستند بر نه رانندرونی.....
۵۸۱	پاک کردن آب همه پلیدی ها را و باز پاک کردن خدای تعالی او را از.....
۵۸۱	استعانت آب از حق جل جلاله بعد از تیره شدن.....
۵۸۲	گواهی فعل و قول بیرونی بر ضمیر و نور اندرونی.....
۵۸۲	در بیان آنکه نور خود از اندرون شخص منور، بی آنکه فعلی و قولی.....
۵۸۳	عرضه کردن مصطفی علیه السلام شهادت را بر آن مهمان خویش.....
۵۸۴	بیان آنکه نور که غذای جان است، غذای جسم اولیا می شود تا او هم.....
۵۸۴	انکار اهل تن غذای روح را و لرزیدن ایشان بر غذای خسیس.....
۵۸۴	مناجات.....
۵۸۵	تمثیل لوح محفوظ و ادراک عقل هر کسی از آن لوح، آنکه امر و قسمت.....
۵۸۵	تمثیل روش های مختلف و همت های گوناگون به اختلاف تخری متحریان.....
۵۸۶	تفسیر: يَا حَسْرَةَ عَلَيَّ الْعِيَامِ.....
۵۸۶	سبب آنکه فرجی را نام فرجی نهادند از اول.....

- صفت طاووس و طبع او و سبب کشتن ابراهیم علیه السلام او را ۵۸۷
- در بیان آنکه لطف حق را همه کس داند و قهر حق را همه کس داند و همه از قهر ۵۸۸
- تفاوت عقول در اصل فطرت، خلاف معتزله که ایشان گویند: در اصل، ۵۸۹
- حکایت آن اعرابی که سگ او از گرسنگی می‌مرد و انبان او پر نان بود و بر سگ ۵۹۰
- در بیان آنکه هیچ چشم بدی آدمی را چنان مهلک نیست که چشم پسند خویش ۵۹۱
- تفسیر: «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ ۵۹۱
- قصه آن حکیم که دید طاووسی را که پر زیبای خود را می‌کند به منقار ۵۹۲
- در بیان آنکه صفا و سادگی نفس مطمئنه از فکرت‌ها مشوش شود؛ چنان که بر ۵۹۳
- در بیان قول رسول صلی الله علیه و آله: «لَا رَهْبَانِيَّةَ فِي الْإِسْلَامِ» ۵۹۳
- در بیان آنکه ثواب عمل عاشق از حق هم حق است ۵۹۴
- در تفسیر قول رسول صلی الله علیه و آله: مَا مَاتَ مِنْ مَاتَ إِلَّا وَ تَمَنَّى أَنْ يَمُوتَ قَبْلَ مَا مَاتَ إِنَّ ۵۹۴
- در بیان آنکه دل و روح در آب و گل محبوسند، همچو ۵۹۵
- جواب گفتن طاووس آن سائر را ۵۹۵
- بیان آنکه هنرها و زیرک‌ها و مال دنیا همچون پره‌های طاووس عدو جان است ۵۹۶
- در صفت آن بیخودان که از شادی خود منتر خود ایمن شده‌اند که فانی‌اند در ۵۹۶
- در بیان آنکه ما سوی الله هر چیزی نکل و مأکول است، همچون آن مرغی که ۵۹۸
- سبب کشتن خلیل علیه السلام زاع را که آن حضرت با قلم بدام صفت بود از صفات ۵۹۹
- مناجات ۶۰۱
- قال النبي صلی الله علیه و آله: ارْحَمُوا ثَلَاثًا غَرِيزَ قَوْمٍ ذُلٌّ وَ غَنَى قَوْمٍ تَقَرُّ ۶۰۱
- قصه محبوس شدن آن آهو بچه در آخور خران و در آنجا خران بر آن غریب ۶۰۲
- حکایت محمد خوارزمشاه که شهر سبزوار که همه را ضعیف با بند به جنگ ۶۰۲
- بقیه قصه آهو و آخور خران ۶۰۴
- تفسیر: إِنِّي أَرَى سَنَعَ بَقَرَاتِ سَمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَنَعٌ عَجَافٌ، آن دوان را غریب خدا به ۶۰۵
- بیان آنکه کشتن خلیل علیه السلام خروس را اشارت به قمع و قهر کدام صفت بود ۶۰۵
- تفسیر: خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ؛ ۶۰۶
- تفسیر: أَسْفَلَ سَافِلِينَ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ۶۰۶
- مثل عالم هست نیست‌نما و عالم نیست هست‌نما ۶۰۸
- در تفسیر قول مصطفی صلی الله علیه و آله: لَا بُدَّ مِنْ قَرِينٍ يَدْفَنُ مَعَكَ وَ هُوَ حَيٌّ وَ تَدْفَنُ مَعَهُ وَ أَنْتَ ۶۰۹
- تفسیر: وَ هُوَ مَعَكُمْ ۶۰۹
- در تفسیر قول مصطفی صلی الله علیه و آله: مَنْ جَعَلَ الْهَمُّومَ هَمًّا وَاحِدًا كَفَاهُ اللَّهُ سَائِرَ هَمُّومِهِ ۶۱۰
- در معنی این بیت ۶۱۰
- قصه آن شخص که دعوی پیغامبری می‌کرد، گفتندش: چه خورده‌ای که گیج ۶۱۱
- سبب عداوت عام و بیگانه زیستن ایشان به اولیای خدا که به حقشان ۶۱۲

- در بیان آنکه مرد بدکار چون متمکن شود در بدکاری و اثر دولت نیکوکاران ۶۱۳
- مناجات ۶۱۳
- پرسیدن پادشاه از آن مدعی نبوت که، آن که رسول راستین باشد و ثابت شود با ۶۱۴
- داستان آن عاشق که با معشوق خود برمی شمرد خدمت‌ها و وفای‌های خود را ۶۱۵
- یکی پرسید از عالمی عارفی که، اگر در نماز کسی بگریه به آواز و آه کند و نوحه ۶۱۶
- مریدی درآمد به خدمت شیخ و از این شیخ پیر بین نمی‌خواهم، بلکه پیر عقل ۶۱۶
- داستان آن کنیزک که با خر خاتون شهوت می‌راند و او را چون بز و خرس ۶۱۸
- تمثیل تلقین شیخ مریدان را و پیغامبر امت را که ایشان طاقت تلقین حق ندارند و با ۶۲۱
- صاحب‌دل دید یکی حامله در شکم آن سگ بیچگان بانگ می‌کردند، در تعجب ۶۲۲
- قصه اهل خروان و حسد ایشان بر درویشان که، پدر ما از سلیمی اغلب دخل ۶۲۳
- بیان آنکه عطای حق در تصرف موقوف قابلیت نیست همچون داد خلقان که آن را ۶۲۵
- در ابتدای خلقت جسم آدم علیه السلام که جبرئیل علیه السلام را اشارت کرد که برو از این ۶۲۶
- فرستادن میکائیل علیه السلام را به حصی حفته خاک از زمین جهت ترکیب ترتیب ۶۲۷
- قصه قوم یونس علیه السلام بیان بر آن است که تضرع و زاری دافع بلائی ۶۲۷
- فرستادن اسرافیل علیه السلام را به خاک که - معای - بگیر از خاک بهر ۶۲۸
- فرستادن عزرائیل علیه السلام ملک العزم و الحزم را علیه السلام به برگرفتن حفته خاک ۶۲۹
- بیان آنکه مخلوقی که تو را از او ظلمت شد به حقیقت، او همچون آلتی است ۶۳۰
- جواب آمدن که آنکه نظر او بر اسباب و ترس و رخم تیغ نیاید، بر کار تو عزرائیل ۶۳۱
- در بیان وخامت چرب و شیرین دنیا و مانع شدن او از انعام الله؛ چنان که فرمود: ۶۳۲
- جواب آن مؤفّل که گفته است که خوش بودی این جان اگر مرگ نبود و خوش ۶۳۳
- فیما یُزجی من رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى مُعْطَى الْيَعْمَ قَبْلَ اسْحَاقَاتِهَا وَالَّذِي يُنْزِلُ الْغَيْثَ ۶۳۳
- قصه ایاز و حجره داشتن او جهت چارق و پوستین و گمان آمدن خواهه تا ۶۳۶
- بیان آنکه آنچه بیان کرده می‌شود، صورت قصه است و آنکه آن صورتی است که ۶۳۷
- حکمت نظر کردن در چارق و پوستین که: فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ۶۳۸
- خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِنْ نَارٍ؛ و قوله تعالى في حق ابليس: إِنَّهُ كَانَ مِنْ الْإِنْسَانِ فَسَقَ ۶۳۸
- در معنی اینکه، أَرْنَا الْأَشْيَاءَ كَمَا هِيَ؛ و معنی اینکه: لَوْ كَثِيفَ الْغِطَاءِ ۶۳۹
- بیان اتحاد عاشق و معشوق از روی حقیقت اگر چه متضادند از روی آنکه نیاز ضد ۶۴۰
- معشوقی از عاشق پرسید که: خود را دوست‌تر داری یا مرا؟ گفت: من از خود ۶۴۱
- آمدن آن امیر نعام با سرهنگان نیم شب به گشادن آن حجره ایاز و پوستین و ۶۴۲
- بازگشتن نعامان از حجره ایاز به سوی شاه توبه نهی و خجل همچون بدگمانان ۶۴۳
- حواله کردن پادشاه قبول و توبه نعامان و حجره گشایان و سزا دادن ۶۴۴
- فرمودن شاه ایاز را که اختیار کن از عفو و مکافات که از عدل و لطف هر چه کنی، ۶۴۴
- تعجیل فرمودن پادشاه ایاز را که، زود این حکم را به فیصل رسان و منتظر مدار ۶۴۵

- ۶۴۵ حکایت در تقریر این سخن که، چندین گاه گفت و گو را آزمودیم،
 ۶۴۶ در بیان کسی که سخنی گوید که حال او مناسب آن سخن و آن دعوی نباشد؛ چنان
 ۶۴۸ حکایت در بیان توبه نصوح که، چنان که شیر از پستان بیرون آید، باز در پستان
 ۶۴۹ در بیان آنکه دعای عارف واصل در خواست او از حق، همچو درخواست حق
 ۶۵۰ توبت جُستن رسید به نصوح و آواز آمدن که همه را جستیم، نصوح را بجوید و
 ۶۵۰ یافته شدن گوهر و حلالی خواستن حاجبان و کنیزکان شاهزاده از نصوح
 ۶۵۱ باز خواندن شهزاده نصوح را از بهر دلاکی بعد از استحکام توبه و
 ۶۵۱ حکایت در بیان آنکه کسی توبه کند و پشیمان شود و باز آن پشیمانی‌ها را،
 ۶۵۲ تشبیه کرد قطب که عارف واصل است در اجرای دادن خلق از قوت مغفرت و
 ۶۵۳ حکایت دیدن خر هیزم فروش با نوایی اسپان تازی بر آخر خاص و تمتا بردن آن
 ۶۵۳ ناپسندیدن روباه گفتن خر را که من راضی‌ام به قسمت
 ۶۵۴ جواب گفتن خر روباه را
 ۶۵۴ جواب گفتن خر روباه را
 ۶۵۴ جواب گفتن خر روباه را
 ۶۵۴ در تقریر معنی توکل حکایت آن را، که توکل را امتحان می‌کرد از میان اسباب
 ۶۵۵ جواب دادن روباه خر را و تحریرش کردن او خر را بر کسب
 ۶۵۵ جواب گفتن خر روباه را که، توکل بهترین سبب‌هاست که هر کسی محتاج است
 ۶۵۶ مثل آوردن اشتر در بیان آنکه در میان رفتن از راه آن چون نبینی،
 ۶۵۷ فرق میان دعوت شیخ کامل واصل و
 ۶۵۸ حکایت آن مخنث و پرسیدن لوطی از او در حالت لواطه که این خنجر از بهر
 ۶۵۸ غالب شدن حیلۀ روباه بر استعصام و تعقیف خر و کیدن روبه خر
 ۶۵۹ حکایت آن شخص که از ترش خویشتن را در خانه انداخت رُخ‌ها زرد چون
 ۶۶۰ بردن روبه آن خر را پیش شیر و جستن خر از شیر و عذاب کردن روباه با شیر که
 ۶۶۱ در بیان آنکه نقض عهد و توبه موجب بلا بُود، بلکه موجب مدح است؛ چنان که
 ۶۶۱ دوم باز آمدن روبه بر آن خر گریخته تا باز بفریبش
 ۶۶۲ جواب گفتن خر روباه را
 ۶۶۳ جواب گفتن روبه خر را
 ۶۶۳ حکایت شیخ محمد سُرُوزی غزنوی
 ۶۶۴ آمدن شیخ بعد از چندین سال از بیابان به شهر غزنین و زنبیل گردانیدن
 ۶۶۶ در معنی لَوْلَاكَ لَمَّا خَلَقْتُ الْأَفْلاك
 ۶۶۶ رفتن آن شیخ در خانه امیری بهر کدیهِ روزی چهار بار به زنبیل به اشارت
 ۶۶۷ گریان شدن امیر از نصیحت شیخ و عکس صدق او و ایثار کردن مخزن بعد از آن
 ۶۶۷ اشارات آمدن از غیب به شیخ که این دو سال به فرمان ما بشتدی و بدادی،
 ۶۶۸ دانستن شیخ ضمیر سائل را بی گفتن و دانستن قدر وام و امداران بی گفتن

- ۶۶۸ سبب دانستن ضمیرهای خلق
- ۶۶۹ غالب شدن مکر روبه بر استعصام خمر
- ۶۶۹ در بیان فضیلت احتما و جوع
- ۶۶۹ مثل
- ۶۶۹ حکایت مریدی که شیخ از حرص و ضمیر او واقف شد، او را نصیحت کرد
- ۶۷۰ حکایت آن گاو که تنها در جزیره‌ایست بزرگ، حق تعالی آن جزیره بزرگ را
- ۶۷۱ صید کردن شیر آن خر را و تشنه شدن شیر از کوشش، رفت به چشمه تا آب خورد
- ۶۷۱ حکایت آن راهب که روز با چراغ می‌گشت در میان بازار از سر حالتی
- ۶۷۲ دعوت کرد مسلمان موع را
- ۶۷۳ مثل شیخ با بر رحمان
- ۶۷۴ جواب گفتن مؤمن شنی کافر جبری را و در اثبات اختیار بنده دلیل گفتن، سنت
- ۶۷۶ درک وجدانی چنان اختیار و اضطراب و خشم و اضطراب و سیری و ناهار به جای
- ۶۷۷ حکایت هم در بیان تقوی خلق و بیان آنکه تقدیر و قضا سلب‌کننده‌ی
- ۶۷۷ حکایت هم در جواب جبر و اثبات اختیار و صحت امر و نهی و بیان آنکه،
- ۶۷۹ معنی ماشاء الله کان یعنی خوش است و راست او و رضا، رضای او جویید، از خشم
- ۶۷۹ و همچنین: قَدْ جُفِّ الْقَلَمُ، یعنی: بَقِ الْقَلَمُ وَ كُتِبَ لَا يَسْتَوِي الطَّاعَةُ وَالْمَعْصِيَةُ لَا
- ۶۸۰ حکایت آن درویش که در هری غلام را از آه‌ی عمید خراسان را دید و بر اسبان
- ۶۸۲ باز جواب گفتن آن کافر جبری آن ستم‌شاه به اسلامش دعوت می‌کرد و به ترک
- ۶۸۳ پرسیدن پادشاه قاصد ایاز را که چندین غم با او با چارق و پوستین که
- ۶۸۴ گفتن خویشاوندان مجنون را که حسن لیلی اندازده‌ایست، چندان نیست، از او
- ۶۸۵ حکایت جوحی که جادر پوشید و در وعظ می‌زد زنان شست و حرکتی کرد
- ۶۸۶ فرمودن شاه به ایاز باز دگر که، شرح چارق و پوستین آنرا بگفت
- ۶۸۶ حکایت کافری که گفتندش در عهد ابایزید که مسلمان شد
- ۶۸۷ حکایت آن مؤذن زشت آواز که در کافرستان بانگ نماز داد و
- ۶۸۸ حکایت آن زن که گفت شوهر را که گوشت را گربه خورد، شوهر گربه را زود
- ۶۸۹ حکایت آن امیر که غلام را گفت که می‌بیار، غلام رفت و سبوی می‌برد
- ۶۹۰ حکایت ضیاء دلق که سخت دراز بود و برادرش شیخ اسلام تاج بلخ به حمایت
- ۶۹۱ رفتن امیر خشم آلود برای گوشمال زاهد
- ۶۹۱ حکایت مات کردن دلقک سید شاه بزمید را
- ۶۹۲ انداختن مصطفی (ص) خود را از کوه حری از وحشت دیر نمودن
- ۶۹۳ جواب گفتن امیر مر آن شفیعان را و همسایگان زاهد را که، گستاخی چرا کردند
- ۶۹۳ دوم بار دست و پای امیر را بوسیدن و لایه کردن شفیعان و همسایگان زاهد
- ۶۹۴ باز جواب گفتن امیر ایشان را
- ۶۹۴ تفسیر این آیت که: وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْخَيْرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ، که در و دیوار

۶۹۶ دگر بار استدعای شاه از ایاز که: تاویل کار خود بگو و مشکل منکران.....
 ۶۹۶ تمثیل تن آدمی به مهمانخانه و اندیشه‌های مختلف به مهمانان مختلف، عارف در.....
 ۶۹۶ حکایت آن مهمان که زن خداوند خانه گفت که باران فرو گرفت و مهمان.....
 ۶۹۷ تمثیل فکر هر روزینه که اندر دل آید به مهمان نو که از اوّل روز.....
 ۶۹۸ نواختن سلطان ایاز را.....
 ۶۹۸ وصیت پدر دختر را که، خود را نگه دار تا حامله نشوی از شوهرت.....
 ۶۹۹ وصف ضعیف‌دلی و سستی صوفی سایه‌پرورد مجاهده ناکرده، درد و داغ عشق.....
 ۷۰۰ نصیحت مبارزان او را که، با این دل و زهره که تو داری، که از کلایسه شدن چشم.....
 ۷۰۱ حکایت عبّاسی رحمه‌الله که هفتاد غزو کرده بود، سینه برهنه و غزاها کرده بر.....
 ۷۰۲ حکایت آن مجاهد که از همیان سیم هر روز یک درم در خندق انداختی به.....
 ۷۰۲ صفت کردن مرد غمّاز و نمودن صورت کنیزک مصوّر در کاغذ و عاشق شدن.....
 ۷۰۳ ایثار کردن صاحب موصل آن کنیزک را به خلیفه تا خون مسلمانان بیشتر نشود.....
 ۷۰۵ پشیمان شدن آن سرکش از جنایت که کرد و سوگند دادن او آن کنیزک را.....
 ۷۰۶ حجت منکران آخرت بر بیان ضعف آن حجت؛ زیرا حجت ایشان بدین باز.....
 ۷۰۶ آمدن خلیفه نزد آن جوانی ای جماع.....
 ۷۰۶ خنده گرفتن آن کنیزک از آن ضعف شهوت خلیفه و قوت شهوت آن امیر.....
 ۷۰۷ فاش کردن آن کنیزک آن در را با خلیفه از بیم زخم شمشیر و اکراه.....
 ۷۰۸ عزم کردن شاه چون واقف شد به آن خیانت که بپوشاند و عفو کند و او را به او.....
 ۷۰۹ بیان آنکه: نحن قسمنا که یکی را شهوت و لذت بخران دهد و یکی.....
 ۷۰۹ دادن شاه‌گهر را میان دیوان و مجمع به حجت رزیر که: این چند ارزد؟ مبالغه.....
 ۷۱۰ رسیدن گهر از دست به دست آخر دور به ایاز و کیاست ایاز و مقلّد ناشدن.....
 ۷۱۱ تشنّیع زدن امرا بر ایاز که، چرا شکستن و جواب دادن ایاز ایشان را.....
 ۷۱۱ قصد شاه به کشتن امرا و شفاعت ایاز پیش تخت سلطان که العفو اؤلی.....
 ۷۱۲ تفسیر گفتن ساحران فرعون را در وقت سیاست که: لا یزالی.....
 ۷۱۳ مجرم دانستن ایاز خود را در این شفاعتگری و عذر این جرم خوار شدن و در آن.....

۷۱۷ دفتر ششم

۷۱۹ مقدمه.....
 ۷۲۱ بسم الله الرحمن الرحيم.....
 ۷۲۴ سؤال سائل از مرغی که بر سر ریش شهری نشسته باشد، سر او فاضل تر.....
 ۷۲۶ نکوهیدن ناموس‌های پوسیده را که مانع ذوق ایمان و دلیل ضعف صدقند و.....
 ۷۲۷ مناجات و پناه بستن به حق از فتنه اختیار و از فتنه اسباب اختیار که.....
 ۷۲۸ حکایت غلام هندو که به خداوند زاده خود پنهان هوا آورده بود. چون دختر.....
 ۷۲۹ صبر فرمودن خواجه مادر دختر را که غلام را زجر مکن، من او را بی‌زجر.....

- در بیان آنکه این غرور تنها آن هندو را نبود، بلکه هر آدمی به ۷۳۱
- در عموم تاویل این آیت که: کُلُّمَا أَوْفَدُوا نَارًا يَلْحَرُوبُ ۷۳۲
- قضه‌ای هم در تقریر این ۷۳۲
- وانمودن پادشاه به امر او و متعصبان در راه ایاز سبب فضیلت و مرتبت ۷۳۳
- مدافعه امرا آن حجت را شبهه جبریانه و جواب دادن شاه ایشان را ۷۳۳
- حکایت آن صیادی که خویشتن در گیاه پیچیده بود و دسته‌ی کُل و لاله را کله‌وار ۷۳۴
- حکایت آن شخص که دزدان قوچ او را بدزدیدند و بر آن قناعت نکردند، ۷۳۵
- مناظره مرغ با صیاد در ترهَب و در معنی ترهَبی که مصطفی علیه السلام نهی کرد ۷۳۶
- حکایت آن اسبان که خاموش کرد تا دزدان رَحِبت تاجران بردند به کلی، ۷۳۸
- حواله کردن مگر گرفتاری خود را در دام به فعل و مکر و زرق زاهد ۷۳۸
- حکایت آن عاشق که شب بیامد بر امید وعده معشوق، بدان وثاقی که اشارت ۷۳۹
- استدعای امیر ترک، حمیرا، طلب را به وقت صبح و تفسیر این حدیث که: إِنَّ ۷۴۱
- در آمدن ضریر در خانه مصطفی علیه السلام و گریختن عایشه رضی الله عنها از پیش ضریر ۷۴۲
- امتحان کردن مصطفی علیه السلام عایبه را که: چه پنهان می‌شوی؟ پنهان مشو که اعمی ۷۴۲
- حکایت آن مطرب که در بزم، کایر، بزل آغاز کرد؛ ۷۴۳
- تفسیر قوله: مَوْتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا ۷۴۴
- تشبیه مغفلی که عمر ضایع کند و قدر مرگ، در آن تنگاتنگ توبه و استغفار کردن ۷۴۵
- نکته گفتن آن شاعر جهت طعن شیهه حاکمان ۷۴۶
- تمثیل مرد حریص ناپیونده رزاقی حق را به غفلت و رحمت او را به موری ۷۴۶
- داستان آن شخص که بر در سرایی نیم شب سحری می‌زد، همسایه او را گفت ۷۴۸
- قضه اخذ اخذ گفتن بلال در حَرّ حجاز از محبت مصطفی علیه السلام در آن ۷۴۹
- بازگردانیدن صدیق واقعه بلال را و ظلم جهودان را به بلال و احد احد ۷۵۱
- وصیت کردن مصطفی علیه السلام صدیق را که چون بلال را مژگین می‌شوی، هر آینه ۷۵۲
- خندیدن جهود و پنداشتن که صدیق مغبون است در این عقد ۷۵۴
- معاتبه مصطفی علیه السلام با صدیق که تو را وصیت کردم که به شرکت ۷۵۵
- قضه هلال که بنده‌ی مخلص بود خدای را، صاحب بصیرت بی تقلید، پنهان ۷۵۶
- حکایت در تقریر همین سخن ۷۵۶
- مثل ۷۵۷
- رنجور شدن این هلال و بی خبری خواجه او از رنجوری او از تحقیق ۷۵۷
- درآمدن مصطفی علیه السلام از بهر عبادت هلال در ستورگاه آن امیر و نواختن ۷۵۸
- در بیان آنکه مصطفی علیه السلام شنید که عیسی بر روی آب رفت، فرمود: «لَوْ أَرَادَ ۷۵۹
- داستان آن عجزوزه که روی زشت خویشتن را جُذره و گلگونه می‌ساخت ۷۶۰
- داستان آن درویش که آن گیلانی را دعا کرد که خدا تو را به سلامت به ۷۶۰
- صفت آن عجزوزه ۷۶۰

- ۷۶۱ قصه درویش که از آن خانه هر چه می خواست، می گفت نیست
 ۷۶۱ رجوع به داستان آن کمپیر
 ۷۶۲ حکایت آن رنجور که طبیب در او امید صحت ندید
 ۷۶۳ رجوع به قصه رنجور
 ۷۶۵ قصه سلطان محمود و غلام هندو
 ۷۶۷ لَيْسَ لِلْمَاضِي هُمُ الْمَوْتُ إِنَّمَا لَهُمْ خَسْرَةُ الْمَوْتِ
 ۷۶۸ بار دیگر رجوع کردن به قصه صوفی و قاضی
 ۷۷۰ طیره شدن قاضی از سیلی درویش و سرزنش کردن صوفی قاضی را
 ۷۷۰ جواب دادن قاضی صوفی را
 ۷۷۱ سؤال کردن آن صوفی قاضی را
 ۷۷۲ جواب دادن آن قاضی صوفی را
 ۷۷۳ باز سؤال کردن صوفی از آن قاضی
 ۷۷۳ جواب قاضی: سؤال صوفی را و قصه تُرک و درزی را مثل آوردن
 ۷۷۳ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ إِنَّ اللَّهَ يُكْرَهُ الْحِكْمَةَ عَلَى لِسَانِ الْوَاعِظِينَ يَقْدِرُ هِمَمُ الْمُسْتَمِيعِينَ
 ۷۷۴ دعوی کردن تُرک در روی او که، درزی از من چیزی نتواند بردن
 ۷۷۴ مضاحک گفتن درزی تُرک از قوت خنده بسته شدن دو چشم تنگ
 ۷۷۵ گفتن درزی تُرک از همتی موش کن اگر مضاحک دگر گویم، قبات تنگ آید
 ۷۷۵ بیان آنکه بیکاران و افسانه جوآن مسلمان تُرکند و عالم غزار غدار، همچو آن
 ۷۷۵ مثل
 ۷۷۶ باز مکرر کردن صوفی سؤال را
 ۷۷۶ جواب دادن قاضی صوفی را
 ۷۷۶ حکایت در تقدیر آنکه صبر در رنج کار سهل تر از صبر در فراق یار بود
 ۷۷۷ مثل
 ۷۷۹ باقی قصه فقیر روزی طلب بی واسطه کسب
 ۷۸۱ قصه آن گنجنامه که پهلوی قبه‌ای روی به قبله کن و تیر درخشان
 ۷۸۲ تمامی قصه آن فقیر و نشان جای آن گنج
 ۷۸۲ فاش شدن خبر این گنج و رسیدن به گوش پادشاه
 ۷۸۳ نوید شدن آن پادشاه از یافتن آن گنج و ملول شدن او از طلب آن
 ۷۸۳ باز دادن پادشاه گنجنامه را به آن فقیر که: بگیر، ما از سر این برخاستیم
 ۷۸۵ حکایت مرید شیخ حسین خرقانی رحمه الله
 ۷۸۵ پرسیدن آن وارد از حرم شیخ که، شیخ کجاست؟ کجا جویم و جواب
 ۷۸۶ جواب گفتن مرید و زجر کردن مرید آن طعنه را از کفر و بیهوده گفتن
 ۷۸۷ واگشتن مرید از وثاق شیخ و پرسیدن از مردم و نشان دادن ایشان
 ۷۸۸ یافتن مرید مراد را و ملاقات او با شیخ نزدیک آن بیشه

۷۸۹	حکمت در رائی جاعِل فی الارض خلیفه
۷۹۰	معجزه هود علیه السلام در تخلص مؤمنان است به وقت نزول باد
۷۹۲	رجوع کردن به قصه قبه و گنج
۷۹۳	اثابت آن طالب گنج به حق تعالی بعد از طلب بسیار و عجز و اضطراب که
۷۹۴	آواز دادن هاتف مر طالب گنج را و اعلام کردن از حقیقت اسرار آن
۷۹۵	حکایت آن سه مسافر مسلمان و ترسا و جهود که به منزل قوتی یافتند و ترسا
۷۹۸	حکایت اشتر و گاو و قُح که در راه بند گیاه یافتند، هر یکی می گفت من خورم
۷۹۸	مثل
۷۹۹	جواب گفتن سیدان آنچه دید به یارانش جهود و ترسا و حسرت خوردن ایشان
۷۹۹	منادی که من سید ملک بزمی که هر که در سه یا چهار روز به سمرقند رود به فلان
۸۰۳	حکایت تازی موش با چغز و بستن پای هر دو به رشته دراز و برکشیدن
۸۰۴	تدبیر کردن موش چغز که من نمی توانم بر تو آمدن به وقت حاجت در آب
۸۰۵	مبالغه کردن موش در لالایی و زاری و وصلت جستن از چغز آبی
۸۰۶	لایه کردن موش مر بهمن به بهانه میندیش و در نسبه مینداز اینجا این حاجت
۸۰۹	حکایت شب دزدان که سلطان محمد شب در میان ایشان افتاد که من یکی ام
۸۱۲	قصه آنکه گاو بحری گوهر گویان را رفته دریا بر آورد، شب بر ساحل دریا نهاد
۸۱۳	رجوع کردن به قصه طلب کردن آن موش از چغز را لب لب جو و کشیدن
۸۱۴	قصه عبدالغوث و ربودن پریان او و رساندن آنها بپایان ساکن شدن او و بعد
۸۱۵	داستان آن مرد که وظیفه ای داشت از محبت سیریز و وام ها کرده بود بر
۸۱۵	آمدن جعفر علیه السلام به گرفتن قلعه ای به تنهایی و شورت کردن ملک آن قلعه در دفع
۸۱۸	رجوع کردن به حکایت آن شخص وام کرده و آمدن او به امر عنایت
۸۱۸	باخبر شدن آن غریب از وفات آن محتسب و استغفار و از اعتماد بر مخلوق و
۸۲۱	مثل دو بین همچو آن غریب شهر کاش عمر نام که از یک دانش به سبب این به آن
۸۲۲	توزیع کردن پایمرد در جمله شهر تبریز و جمع شدن اندک
۸۲۵	دیدن خوارزمشاه در شیران در موکب خود اسبی پس نادر و تعلق
۸۲۷	مؤاخذه یوسف صدیق علیه السلام به حبس بضع سنین به سبب
۸۳۰	رجوع کردن به قصه آن پایمرد و آن غریب و امداد و بازگشتن ایشان
۸۳۱	گفتن خواجه در خواب به آن پایمرد و چو وام آن دوست را که آمده بود و سان
۸۳۲	حکایت آن پادشاه و وصیت کردن او سه پسر خویش را که در این سفر در
۸۳۳	بیان استمداد عارف از سرچشمه حیات ابدی و مستغنی شدن او از استمداد
۸۳۴	روان شدن شهزادگان در ممالک پدر بعد از وداع کردن ایشان شاه
۸۳۶	رفتن پسران سلطان به حکم آنکه: الانسان خریض علی ما مُتبع
۸۳۸	دیدن ایشان در قصر این قلعه ذات الصور نقش روی دختر شاه چین را
۸۳۹	حکایت صدر جهان بخارا که هر سائلی که به زبان بخواستی از صدقه عام

- ۸۴۱ حکایت آن دو برادر، یکی کوسه و یک امرد، در غرب‌خانه‌ای حفتند، شبی
- ۸۴۲ در تفسیر این خبر که مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: *منهو مان لایشبعان طالِب الدُّنْیا و طالِب*
- ۸۴۲ بحث کردن آن سه شهزاده در تدبیر آن واقعه.....
- ۸۴۲ مقاتلت برادر بزرگین.....
- ۸۴۳ ذکر آن پادشاه که آن دانشمند را به اکراه در مجلس آورد و بنشانند و ساقی شراب.....
- ۸۴۵ روان گشتن شاهزادگان بعد از اتمام بحث و ماجرا به جانب ولایت چین سوی.....
- ۸۴۵ حکایت امرء القیس که پادشاه عرب بود و به صورت عظیم به جمال بود، یوسف.....
- ۸۴۷ بعد مکت ایشان منواری در بلاد چین در شهر تخت‌گاه و بعد دراز شدن صبر.....
- ۸۵۱ بیان مجاهد که دست از مجاهده باز ندارد، اگر چه داند بسطت عطای حق را که.....
- ۸۵۲ حکایت آن شخص که خواب دید که، آنچه می‌طلبی از یسار به مصر وفا شود.....
- ۸۵۳ سبب تأخیر اجابت دعای مؤمن.....
- ۸۵۳ رجوع کردن به قصه آن شخص که به او گنج نشان دادند به مصر.....
- ۸۵۴ رسیدن آن شخص به مصر و شب بیرون آمدن به کوی از بهر شبکوکی و گدایی.....
- ۸۵۵ بیان این خبر: *أَلَمْ تَرَ أَنَّ الصَّدَقَ طُمَأْنِينَةً*.....
- ۸۵۶ مثل.....
- ۸۵۷ بازگشتن آن شخص شادمان و مایافته و خدای را شکرگویان و سجده‌کنان.....
- ۸۵۸ مکرر کردن برادران پند دادن بزرگین.....
- ۸۶۰ مفتون شدن قاضی بر زن جوچی و اسناد و سندوق ماندن و نایب قاضی صندوق را.....
- ۸۶۱ رفتن قاضی به خانه زن جوچی و سینه زدن جوچی به خشم.....
- ۸۶۲ آمدن نایب قاضی میان بازار و خریداری در.....
- ۸۶۳ در تفسیر این خبر که مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: *مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ*، تا منافقان.....
- ۸۶۳ باز آمدن زن جوچی به محکمه قاضی سال دوم و آمدن وظیفه پارسال.....
- ۸۶۵ باز آمدن به شرح قصه شاهزاده و ملازمت او در حضرت شاه.....
- ۸۶۵ در بیان آنکه دوزخ گوید که قنطره صراط بر سر اوست ای مؤمنان! صراط.....
- ۸۶۶ متوفی شدن بزرگین از شهزادگان و آمدن برادر میانین به جاره پادشاه آن.....
- ۸۷۰ وسوسه‌ای که پادشاهزاده را پیدا شد از سبب استغنائی و کشف که از شاه دل او.....
- ۸۷۱ خطاب حق به عزرائیل که: تو را رحم بر که بیشتر آمد از این خلایق که پادشاه را.....
- ۸۷۲ کرامات شیخ شیبان راعی رحمه الله.....
- ۸۷۲ رجوع کردن به قصه پروردن حق تعالی نمرود را بی واسطه مادر.....
- ۸۷۳ رجوع کردن بدان قصه که شاهزاده زخم خورد از خاطر شاه، پیش از.....
- ۸۷۴ وصیت کردن آن شخص که بعد از او برد مال مرا از سه فرزند من که کاهل تر است.....
- ۸۷۴ مثل.....